Human Rights-Rights and Freedoms

آزادی­ها و حقوق – حقوق بشر

Key Points

نکات کلیدی

After reading this chapter, you will be able to:

قادر خواهید بود فصل این خواندن بعد

*j!)* desaibe the traditional residual approach to freedom in Britain; *p* explain the

توضیح بریتانیا در آزادی رویکرد باقی­مانده سنتی توضیح

background to the Human Rights Act 1998.

قانون حقوق بشر پس زمینه

Introduction

پیشگفتار

1-Until recently, any discussion of the legal protection of human rights in England

انگلستان حقوق بشر حمایت قانونی بحث هرگونه تاهمین اخیراَ

and Wales has taken place in a context of civil liberties, not civil rights. 2-This

این حقوق مدنی آزادی­های مدنی پس زمینه اتفاق افتاده است ولز

distinction was not simply a matter of a choice of words, but had profound consequences for the nature of freedom

ماهیت آزادی برای پی آمدهای عمیق گزینش واژگان موضوع به­سادگی نبود تمایز

in this country.3- To say that a person is at liberty to do something is fundamentally different from saying that a

آن بیان از متفاوت اساساَ هست چیزی انجام دادن آزادی یک شخص که برای بیان این کشور

person has a right to do something. -4Freedom in English law had always been an essentially **residual** concept=one

مفهوم سنتی لزوماَ همیشه بود در قانون انگلیسی آزادی چیزی انجام دادن حق دارد شخص

Was free to do everything left over once the law had said what one cannot do.

نمی­تواند انجام دهد گفته شد قانون زمانی باقی­ماند هرچیزی برای انجام آزاد بود

-5This notion that one is free to do anything except that which is prohibited by law (with its implicit reference to

اشاره­ی ضمنی توسط قانون ممنوع شده که بجز هرچیزی انجام آزاد این تصور

the traditional figure of the "free-born Englishman") was a superficially attractive one. -6However, its attractions

جاذبه­های آن با این وجود یک جذاب ظاهراَ بود تصویر سنتی مرد انگلیسی آزادِ-مادرزاد

are less clear when we remember that there are no legal constraints on a sovereign Parliament to enact further

بیشتر تصویب کردن پارلمان عالی­ترین محدود کردن قانونی وجود ندارد که بیاد داریم ما زمانی واضح کمتر

restrictions on even the most fundamental of freedoms.

آزادی­های اساسی بیشترین محدودیت­ها

-7Clearly, some restrictions on absolute freedom can be justified either to protect or balance individual interests

منافع شخصی متعادل کردن حفاظت کردن یا توجیه شدن آزادی مطلق برخی محدودیت­ها به­طور واضح

or the collective interest as represented by the State. -8Nevertheless, it was the case that, as Geoffrey Robertson

جفری رابرتسون همانند نمونه ای بود با این حال توسط دولت ارائه شد منافع گروهی

put it, "Liberty in Britain is a state of mind rather than a set of legal rules". -9This approach was increasingly

به­طور افزاینده رویکرد احکام قانونی مجموعه بیش از حالت ذهنی بریتانیا آزادی

thought to be inadequate to protect our most fundamental freedoms, particularly as an ever more politically,

به­لحاظ سیاسی بیشتر خصوصاَ آزادی­ها اساسی اکثر برای حفاظت ناکافی تصور­میشد

economically and ethnically diverse Britain moved into the twenty-first century. 10-It was this pressure for change

تغییر برای فشار این بود قرن بیست و یکم حرکت کرد بریتانیا متفاوت ازنظرقومی ازنظر اقتصادی

that brought about the introduction of more formal protection for human rights under English law with the Human

بشر با قانون انگلیسی طبق حقوق بشر برای حمایت رسمی بیشتر معرفی درمورد آورده

Rights Act 1998 (the case for change is set out in the White White Pa~"Rights Brought Home"-that preceded the

مقدم است خانه آورده شده حقوق مقاله­ی سفید در شروع شده تغییر برای پرونده مصوبه­ی حقوق

Act).

-11We should not underestimate the importance of this legislation. -12 As John Wadham (Director of the civil

مدنی مدیر جان وادهام همانطور قانوگذاری اهمیت دست کم گرفتن نباید

liberties campaign organisation Libtrty) stated, it is "a landmark in human rights protection, the most significant

مهم­ترین حمایت حقوق بشر مشخصه گفت لیبرتی سازمان کمپین آزادی­ها

human rights reform in the post-war period. . . . -13The Act will make a real difference to individual rights and

حقوق فردی تفاوت واقعی ایجاد خواهد قانون دوران پس از جنگ اصلاحیه حقوق بشر

freedoms such as privacy and family life".

**زندگی خانوادگی خصوصی مانند آزادی­ها**

**پیشگفتار**

1-تا همین اواخر تمام گفتگوها پیرامون حمایت قانونی از حقوق بشر در انگلستان و ولز در پس زمینه ی آزادی های مدنی صورت میگرفت و نه در متن و زمینه ی حقوق مدنی. 2-این تمایز صرفا موضوع گزینش کلمات نبود، بلکه دربردارنده ی پیامدهای ژرفی در ماهیت آزادی در این کشور بود.3- بیان اینکه شخصی آزاد است تا کاری انجام دهد، اساسا متفاوت از این گفته است که فرد حق دارد کاری بکند.4- آزادی در قانون انگلستان همیشه یک مفهوم سنتی داشت= فرد تنها درصورتی آزاد بود هرکاری انجام دهد که قانون آنچه را که شخصی حق انجامش را نداشت ذکر کرده بود. 5-این مفهوم که فرد آزاد است تا هر کاری را بجز آنچه که قانون منع کرده انجام دهد ( با اشاره ی ضمنی به تصویر سنتی "مرد انگلیسی آزادِ مادرزاد" ) یک مفهوم ظاهرا جذاب بود.6- با این حال وقتی به یاد می آوریم که هیچ محدودیت قانونی در مورد مجلس شورای عالی جهت اعمال محدودیت های بیشتر برروی اساسی ترین آزادی ها وجود ندارد، جاذبه اش رنگ می بازد. 7-واضح است که برخی محدودیت ها درمورد آزادی مطلق می تواند برای حفاظت و یا تعادل منافع فردی و یا جمعی که دولت شرح داده موجه گردد. 8-با این وجود، این موردی بود که جفری رابرتسون آن را اینگونه بیان کرد: " آزادی در بریتانیا، یک حالت ذهنی است، نه مجموعه ای از قوانین قانونی." 9- به طور فزاینده ای تصور میشد که این رویکرد برای حفاظت از اساسی ترین آزادی هایمان ناکافی است و خصوصا به عنوان یک بریتانیای متنوع تر به لحاظ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و قومی که وارد قرن 21 شده بود.10- این فشارِ ایجاد تغییر بود که با مصوبه ی حقوق بشر سال 1998 موجب معرفی حمایت رسمی تر از حقوق بشر تحت نظر قانون انگلیسی شد ( نمونه ی تغییر در مقاله ی سفید "حقوق به خانه آورده شده" – در ابتدای مصوبه ذکر شده - شرح داده شده است). 11- ما نباید اهمیت این قانون را دست کم بگیریم.12- همانطور که جان وادهام (مدیر سازمان حمایت از آزادی های مدنی لیبرتی) اظهار داشت، "این نقطه ی عطفی در حمایت از حقوق بشر، مهمترین اصلاحیه ی حقوق بشر در دوران پس از جنگ است...." 13- این قانون تغییری اساسی در حقوق فرد و آزادی هایی همچون حریم خصوصی و زندگی خانوادگی ایجاد خواهد کرد.

**The Convention Rights**

**حقوق کنوانسیون**

The European Convention on **Human Rights** was adopted by the Council of Europe in 1950 and, since 1966,

از سال شورای اروپا تصویب شد حقوق بشر کنوانسیون اروپایی

Britain has accepted the right of individual petition to the European Court of Human Rights. The rights protected

محافظت شد حقوق حقوق بشر دادگاه اروپایی درخواست فردی حق پذیرفته بریتانیا

by the Convention are:

هستند کنوانسیون توسط

* Article 2-the right to life;

زندگی حق ماده

* Article ~freedom from torture, inhuman or degrading treatment or punishment;

مجازات رفتار تحقیرآمیز غیرانسانی شکنجه از آزادی ماده

* Article 4---freedom from slavery and forced labour;

کار اجباری بردگی از آزادی

* Article 5-freedom of the person;

شخص آزادی

* Article &-the right to a fair, public and independent trial;

محاکمه مستقل عمومی عادلانه حق

* Article 7-freedom from retrospective criminal laws;

قوانین کیفری گذشته آزادی

* Article 8-the right to respect for private and family life, **home and** cx,rrespondence;

مکاتبات خانه زندگی خانوادگی خصوصی احترام حق

* Article 9-freedom of thought, conscience and religion;

مذهب وجدان اندیشه آزادی

* Article IO-freedom of expression;

بیان آزادی

* Article 11-freedom of assembly and association;

ارتباط اجتماع آزادی

* Article 12-the right to marry and found a family;

خانواده تشکیل ازدواج حق

* Article 13-the right to an effective remedy before a national authority for violation of any rights or freedoms

آزادی­های حقوق هرگونه نقض مقام ملی در حضور راه چاره مؤثر حق

protected under the Convention;

کنوانسیون طبق حمایت شده

* Article 14---freedom from discrimination;

تبعیض از آزادی

The First Protocol to the Convention added:

افزود کنوانسیون پیش نویس

* Article 1-the right to the enjoyment of private property;

مالکیت خصوصی لذت حق

* Article 2-the right to education;

آموزش حق

* Article 3-the right to free elections by secret ballot;

رآی مخفی انتخابات آزاد حق

-1We should note, however, that some of these are not absolute rights or freedoms, as the Convention sometimes

برخی اوقات کنوانسیون آزادی­ها حقوق مطلق برخی با این وجود توجه باید

allows for restrictions to protect national security, public order, health or morals, and the rights and freedoms of

آزادی­های حقوق اخلاقیات سلامت نظم عمومی امنیت ملی محافظت کردن محدودیت­ها اجازه

others. Nevertheless, there is an important distinction here from the residual approach. -2The presumption is **against**

**علیه فرضیه رویکرد سنتی از اینجا تمایز مهمی وجود دارد با این حال دیگران**

restrictions, and the validity of any restriction can be tested in the Court.

**دادگاه در آزموده شود محدودیت­ هرگونه اعتبار محدودیت­ها**

**حقوق کنوانسیون**

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در سال 1950 توسط شورای اروپا تصویب شد و از سال 1966، بریتانیا حق تقاضای فرد به دادگاه اروپایی حقوق بشر را پذیرفته است.

حقوق حفاظت شده توسط کنوانسیون عبارتند از :

• ماده­ی 2- حق زندگی

• ماده­ی 3- آزادی از شکنجه، رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز یا مجازات؛

• ماده­ی 4- آزادی از برده­ داری و کار اجباری؛

• ماده­ی 5- آزادی فرد؛

• ماده­ی 6- حق داشتن یک محاکمه­ی منصفانه، عمومی و مستقل؛

• ماده­ی 7- آرادی از قوانین کیفری گذشته؛

• ماده­ی 8- حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و CX و پاسخگویی

• ماده­ی 9- آزادی اندیشه، وجدان و مذهب؛

• ماده­ی 10- آزادی بیان؛

• ماده­ی 11- آزادی انجمن­ها و تشکل­ها؛

• ماده­ی 12- حق ازدواج و تشکیل خانواده؛

• ماده­ی 13- حق برخورداری از راه حلی مؤثر جهت نقض حقوق و آزادی­های تحت حمایت کنوانسیون؛

• ماده­ی 14- آزادی از تبعیض؛

نخستین معاهده­نامه­ی کنوانسیون موارد زیر را اضافه کرد:

• ماده­ی 1- حق برخورداری از مالکیت خصوصی؛

• ماده­ی 2- حق تحصیل؛

• حق انتخابات آزاد با رأی مخفی؛

1-با­ این وجود، باید توجه داشته باشیم که برخی از این­ها حقوق و آزادی­ها­ی مطلق نیستند، زیرا کنوانسیون محدودیت­هایی را برای حفاظت از امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت و یا اخلاق و حقوق و آزادی­های دیگران مجاز میداند.2- با این وجود، در اینجا تمایزی مهم با رویکرد سنتی وجود دارد. فرضیه علیه محدودیت­هاست و اعتبار هرگونه محدودیت را می­توان در دادگاه عمومی مورد آزمایش قرار داد.

**Revision Notes**

**یادداشت­های بازنگری**

You should now write your revision notes for Rights and Freedoms. Here are some suggested headings:

عناوین پیشنهادی برخی در اینجا آزادی­ها حقوق یادداشتهای مرور تان بنویسید اکنون باید

**We-why the *HM?***

HM **چرا**  **ما**

* trad. residual approach inadequate

ناکافی رویکرد سنتی

* more formal approach needed in increasingly diverse society

جامعه متنوع روبه افزایش در مورد نیاز رویکرد رسمی بیشتر

* HRA likely to have major impact Oohn Wadham-Liberty)

لیبرتی اوون وادهام تأثیر عظیم دارد احتمالاَ

R&r~Residual Approach R&~Why the HRA? R&Fe-

ECHR Rights

Using your cards, you should now be able to write a short paragraph in response to each of the following questions:

سؤالات زیر هریک در پاسخ پاراگراف کوتاه بنویسید قادرباشید باید کارت­هایتان با استفاده

1. What was the approach to freedoms under English law prior to the Human Rights Act 1998?

مصوبه حقوق بشر پیش از قانون انگلیسی طبق آزادی­ها رویکرد

1. What were the main reasons for the enactment of the 1998 Act?

مصوبه تصویب برای دلایل اصلی بودند چه

1. What major rights and freedoms are protected by the European Convention on Human Rights?

حقوق بشر کنوانسیون اروپایی به وسیله حمایت شده آزادی­ها حقوق اصلی

**یادداشت­های بازنگری**

اکنون باید یادداشت­های تجدیدنظر خود را برای حقوق و آزادی­ها بنویسید. در اینجا چندین عنوان پیشنهاد شده است:

• ما- چرا HM ؟

• سنت. چرا رویکرد سنتی ناکافی است؟

• رویکرد رسمی­تر­ی در جامعه­ای که رو به متنوع تر شدن می­رود مورد­نیاز می­باشد.

• HRA احتمال بیش­ترین تأثیرگذاری را دارد (اوون وادهام- لیبرتی)

R&R ̃ رویکرد سنتی R و چرا HRA؟ حقوق R&Fe-ECHR

با استفاده از کارت های خود اکنون باید پاسخی کوتاه در حد یک پارارگراف را برای هریک از سؤالات زیر بنویسید:

1-رویکرد به آزادی­های زیر نظر قانون انگلیسی پیش از مصوبه حقوق بشر 1998 چه بود؟

2-مهمترین دلایل تصویب مصوبه­ی 1998 چه بود؟

3- عمده­ترین حقوق و آزادی هایی که توسط کنوانسیون­ اروپایی در مورد حقوق بشر حفاظت می­شود کدام­اند؟

**Useful Websites**

وب­سایت­های مفید

~ For the Home Office Human Rights Unit, visit [**www.homeoffice.gov.uk/hract/hramenu.htm**](http://www.homeoffice.gov.uk/hract/hramenu.htm)

بازدید کنید واحد حقوق بشر دفتر اصلی برای

~ For the text of the Human Rights Act 1998, visit [**www.hmao.gov.uk/acta/actal998/19980042.htm**](http://www.hmao.gov.uk/acta/actal998/19980042.htm)

بازدیدکنید قانون حقوق بشر متن برای

~ For the various guidance documents issued by the Human Rights Unit, visit

بازدید کنید واحد حقوق بشر به وسیله صادر شده مدارک راهنمایی مختلف برای

[**www.homeoffice.gov.uk/hract/guidlist.htm**](http://www.homeoffice.gov.uk/hract/guidlist.htm)

~ For the "Rights Brought Home" White Paper, visit

**[www.official-](http://www.official-                                                                                             بازدید کنید      مقاله    سفید         خانه      آورده شده   حقوق        برایdocuments.eo.uk/)**

**[بازدید کنید مقاله سفید خانه آورده شده حقوق برای](http://www.official-                                                                                             بازدید کنید      مقاله    سفید         خانه      آورده شده   حقوق        برایdocuments.eo.uk/)**

**[documents.eo.uk/](http://www.official-                                                                                             بازدید کنید      مقاله    سفید         خانه      آورده شده   حقوق        برایdocuments.eo.uk/)**document/hoffice/righta/righta.htm

~ For a briefing paper on the Human Rights Act issued by *Liberty,* the civil liberties campaign organisation, visit

بازدید کنید سازمان حمایت آزادی­ها مدنی لیبرتی صادر شدن حقوق بشر در مقاله کوتاه

[**www.liberty-human-righta.org.uk/mpolicl.html**](http://www.liberty-human-righta.org.uk/mpolicl.html)

**وب ­سایت­های مفید**

̃ برای دسترسی به واحد دفتر مرکزی حقوق بشر به وب سایت [**www.homeoffice.gov.uk/hract/hramenu.htm**](http://www.homeoffice.gov.uk/hract/hramenu.htm) **مراجعه کنید.**

̃ جهت دسترسی به متن قانون حقوق بشر 1998 به وب سایت [**www.hmao.gov.uk/acta/actal998/19980042.htm**](http://www.hmao.gov.uk/acta/actal998/19980042.htm) **مراجعه کنید.**

**̃ برای دسترسی به مدارک راهنمایی مختلف صادر شده توسط واحد حقوق بشر به** [**www.homeoffice.gov.uk/hract/guidlist.htm**](http://www.homeoffice.gov.uk/hract/guidlist.htm) **مراجعه کنید.**

**̃ برای مشاهده­ی "حقوق به خانه آورده شده" مقاله ی سفید، به**

[**www.official-documents.eo.uk/**document/hoffice/righta/righta.htm](http://www.official-documents.eo.uk/document/hoffice/righta/righta.htm) مراجعه کنید.

̃ برای مشاهده ی مقاله­ای کوتاه درباره­ی قانون حقوق بشر صادر شده توسط لیبرتی، سازمان حمایت از آزادی های مدنی به [**www.liberty-human-righta.org.uk/mpolicl.html**](http://www.liberty-human-righta.org.uk/mpolicl.html) **مراجعه کنید.**

~ Human Rights-Restrictions and Limitations

محدودیت­ها حدومرزها حقوق بشر

Key Points

نکات کلیدی

Aft« reading this chapter, you will be able to:

قادر خواهید بود این فصل مطالعه

deaaibe the position regarding iestridiona under the Convention; *p* explain the nale of law in

در قانون ؟ توضیح دادن کنوانسیون طبق ؟ مطالعه موضع ؟

relation to the Convention;

کنوانسیون در ارتباط با

* explain the principle of proportionality;

تناسب اصل توضیح دهید

* explain the ''margin of **appreciation"** ;

قدردانی حاشیه­ی توضیح دهید

●deaaibe the poaition under UJC. Law in relation to Article 5; *p* **deaaibe** the position under

طبق موضع ؟ ماده ارتباط با قانون طبق ؟ ؟

●UJC. law in relation to Artide 8; *p* deaaibe the position under UJC. lawin relation to Article

ارتباط قانون طبق موضع ؟ ؟ ارتباط قانون

●10; *p* **deaaibe** the position under UJC. Law in relation to Artide 11.

ماده ارتباط قانون طبق موضع ؟

**مرزها و محدودیت­های حقوق بشر**

نکات کلیدی

پس از مطالعه­ی این فصل قادرخواهید بود تا:

* موضع مشروعیت در کنوانسیون و nale قانون در رابطه با کنوانسیون را توضیح دهید.
* توضیح مرز قدردانی
* توضیح موضع قانون UJC در ارتباط با ماده­ی 5؛ توضیح موضع قانون UJCدر ارتباط با ماده­ی 8؛ توضیح موضع قانون UJCدر ارتباط با ماده­ی 10؛ توضیح موضع قانون UJCدر ارتباط با ماده­ی 11

The position under the Convention

کنوانسیون طبق موضع

1-As noted in the previous chapter, not all the Convention rights are absolute. 2-The abaolute rights include Articles

ماده­ها شامل حقوق مطلق مطلق هستند حقوق کنوانسیون تمام فصل قبلی ذکر شد

3, *4* and 7. Others, such as Article 5, are specifically limited by the Convention itself. Finally, others, such as

همانند سایرین بالاخره خود کنوانسیون با محدود خصوصاَ هستند ماده همانند سایرین

Articles 8, 9, 10, and 11, may be quaWiecl where:

جایی که ؟ ممکن است ماده­های

3-the qualification has its basis in law;

قانون اساس صلاحیت

4-it is necessary in a democratic society-this means it must ulfill a pressing social need

نیاز اجتماعی فوری انجام دادن باید به معنای این جامعه دموکراتیک ضروری

in pursuit of a legitimate aim and be proportionate to that aim.

هدف تناسب هدف قانونی به دنبال

5-We should oonsider some of the elements of this principle of qualification in further detail. 6-The rule of law

قانون حاکمیت جزئیات بیشتر صلاحیت اصل عناصر برخی درنظر بگیرید باید

}J noted in the previous chapter, under a Convention rights approach there is a presumption against restriction or

محدودیت علیه فرض وجود دارد رویکرد حقوق کنوانسیون طبق فصل قبلی ذکر شد

qualification of thole rights. 7- Any qualification must be uthorized by

با مورد تأیید باید صلاحیت هرگونه حقوق صلاحیت

law. 8-In the absence of precise, specific, and detailed legal uthorization, any interference with a Convention right,

حق کنوانسیون با دخالت هرگونه تأییدیه قانونی جزئی خاص دقیق نبود در

however justified, will be a violation of that right.

**حق آن نقض خواهد بود موجه بااین وجود**

**موضع تحت کنوانسیون**

1-همانگونه که در فصل قبل اشاره شد، تمام حقوق کنوانسیون مطلق نیستند. حقوق مطلق شامل مواد3، 4 و 7 است.

2-سایر مواد از جمله ماده­ی 5 به طور خاص توسط خود کنوانسیون محدود می­شوند و درنهایت سایر مواد مانند مواد 8، 9، 10 و 11 تحت شرایط زیر تعدیل شوند:

3- صلاحیت دارای مبنای قاونی باشد

4- ضرورتی در جامعه­ی دموکراتیک به حساب بیاید- این بدان معناست که باید پاسخگوی یک نیاز اجتماعی مبرم باشد و هدف مشروعی را دنبال کند و با آن هدف سازگار باشد.

5-ما باید برخی از عناصر این اصل صلاحیت را در جزییات بیشتری بررسی کنیم.6- در حاکمیت قانون که در فصل قبل ذکر شد، براساس یک رویکرد حقوق کنوانسیون فرضیه ای علیه محدودیت و یا صلاحیت آن دسته از حقوق وجود دارد.7- هر صلاحیت به دست قاون مجاز میشود.8- درصورت نبود مجوزی خاص، دقیق و مشخص هرگونه دخالت در حق کنوانسیون با وجود مجاز بودن، زیرپاگذاردن آن حق به حساب می آید.

**The principle of proportionality**

تناسب اصل

1-Under English law prior to the **Human Rights Act 1998,** actions by the government could only be challenged by

با به چالش کشیده شود تنها می توانست دولت با فعالیت­ها قانون حقوق بشر پیش از قانون انگلیسی طبق

way of judicial review if they were “irrational”-a decision so “outrageous in its defiance of logic or accepted moral

اخلاق پذیرفته منطق سرپیچی نامناسب چنان تصمیم غیرمنطقی بودند آن­ها اگر تجدیدنظر قضایی روش

standards that no sensible person who had applied his mind to the question to be decided could have arrived at it"

آن رسیده است توانست تصمیم گرفته شود سؤال ذهن خود درگیر شخص عاقل هیچ استاندارها

(Lord Diplock). 2- However, where there has been a prima facie violation of a right protected by the Convention,

کنواسیون با حفاظت شده حقی نقضی درنظر اول بوده است جاییکه با این حال لورد دیپلوک

the European Court of Human Rights has adopted a more stringent standard in considering whether the State can

می­تواند دولت که آیا بررسی کند در استاندارد دقیق تر اتخاذ کرده­اند حقوق بشر دادگاه اروپایی

justify the limitation of that right-the principle of proportionality. 3-This means that even if a particular policy or

سیاست بخصوص حتی اگر که به این معناست تناسب اصل حق محدودیت توجیه می­کند

action which interferes with a Convention right is pursuing a legitimate aim **(e.g.** the prevention of crime) this will

خواهد این جرم جلوگیری هدف قانونی به دنبال حق کنوانسیون با در تداخل است عمل

not justify the interference if the means used to achieve that aim are excessive in the circumstances.

پی آمدها افراطی هدف کسب مورد استفاده ابزار اگر تداخل توجیه نمی­کند

**اصل تناسب**

1-طبق قوانین انگلیسی پیش از مصوبه­ی حقوق بشر 1998، اگر اقدامات دولت غیرمنطقی بودند تنها راه زیر سوال بردن آن ها بررسی قضایی بود-"تصمیم نامناسبی که از منطق و یا استانداردهای اخلاقی پذیرفته شده سرپیچی می­کرد چنانکه هیچ فرد عاقلی که ذهن خود را درگیر پاسخ گویی به آن پرسش کرده بود به چنین نتیجه ای نمی­رسید {لورد دیپلاک} با این وجود هرجا که حقی براساس حمایت کنوانسیون نقض شده، دادگاه اروپایی حقوق بشر استاندارد دقیق­تری را اتخاذ کرده تا به بررسی این موضوع بپردازد که آیا دولت می­تواند محدودیت آن حق یعنی اصل تناسب را توجیه کند. 2- این بدان معناست که حتی اگر سیاست یا اقدام خاصی که با یکی از حقوق کنوانسیون تداخل دارد، هدفی قانونی را دنبال می­کند. (یعنی جلوگیری از جنایت).3- این مسأله تداخلی را که در شرایط فوق برای رسیدن به یک هدف از روشی افراطی استفاده کرده توجیه نمی­کند

The margin of **appreciation**

قدردانی حاشیه

1-In relation to some Convention rights (particularly those requiring a balance to be struck between competing

رقابتی بین به چشم بیاید تعادل نیازمند آنها خصوصاَ حقوق کنوانسیون برخی در ارتباط

considerations) the European Court of Human Rights may allow a “margin of appreciation” to the domestic

داخلی قدردانی حاشیه­ی اجازه دهند حقوق بشر دادگاه اروپایی ملاحظات

authorities. 2-This means that it may be reluctant to substitute its own views of the merits of the case for those of

آنهایی که پرونده ارزش­های دیدگاه خود جایگزین کردن بی­میل باشند ممکن است به این معناست مقامات

the national authorities in determining whether a limitation is necessary in a democratic society. 3-In ***Hondyside*** *v.*

*در هوندی ساید جامعه دموکراتیک در ضروری محدودیت که آیا تعیین کردن مقامات ملی*

*U.K.* (1976), the Court stated,

*اظهارکرد دادگاه بریتانیا*

“By reason of their direct and continuous contact with the vital forces of their countries, state authorities are in

در مقامات دولتی کشورهایشان نیروهای حیاتی با ارتباط مداوم مستقیم دلیل با

principle in a better position than the international judge to give an opinion on the exact content of those

مضمون دقیق نظر دادن قاضی بین­الملل موضع بهتر اصل

requirements as well as on the ‘necessity’ of a ‘restriction’ or ‘penalty’ intended to meet them.”

آنها مواجه شود قصد داشتن کیفر محدودیتت ضرورت همچنین شرایط لازم

4-Some commentators, such as *Libmy,* have argued that since the margin of appreciation is, strictly speaking, a

دقیق صحبت کنیم حاشیه­ی قدردانی چونکه اظهار داشته­اند همانند لیبمی برخی مفسران

concept belonging to international law it should not prevent the U.K. courts examining the merits of a decision,

تصمیم امتیازات امتحان کردن دادگاههای بریتانیا جلوگیری نباید قانون بین­المللی متعلق به مفهوم

policy or law and the reason for its adoption. 5- Others, however, have suggested that the U.K. courts may develop

توسعه یابد دادگاههای بریتانیا پیشنهادداده است بااین وجود دیگران پذیرشِ آن دلیل قانون سیاست

a principle similar to the margin of appreciation. 6-It is not possible, in advance of the Act coming into force, to say

گفتن به اجرا درآمدن قانون پیش از آنکه ممکن نیست حاشیه­ی قدردانی اصل مشابه

precisely how this will work in practice. 7-In some cases the court may conclude that there are insufficient reasons

دلایل ناکافی وجود دارد نتیجه­گرفتن دادگاه در برخی موارد اجرا عمل خواهد کرد دقیقاَ

to support the decision, policy or law. 8-However, in others it may be

ممکن است باشد با این وجود قانون سیاست تصمیم حمایت کند

willing to accept the opinion of expert decision-makers, such as a government department, health authority or

کارشناسان سلامت دپارتمان دولت همچون کارشناسان تصمیم گیرنده نظر پذیرفتن خواهان

Parliament.

پارلمان

**حاشیه­ی قدردانی**

1-در رابطه با برخی حقوق کنوانسیون (خصوصا آن هایی که نیاز به تعادل دارند تا بین ملاحظات رقابتی خوب به چشم بیایند) دادگاه اروپایی حقوق بشر ممکن است "حاشیه­ی قدردانی" را برای مقامات داخلی جایز بداند. 2-این بدان معناست که ممکن است با جایگزین کردن دیدگاه خود در مورد ارزش­های این نمونه با دیدگاه مقامات ملی در ابراز ضرورت در یک جامعه­ی دموکراتیک مخالف باشند.3- در هوندی ساید وی بریتانیا (سال 1976)، دادگاه اظهار داشت "به واسطه­ی رابطه­ی مستقیم و مداوم آن­ها با نیروهای اصلی کشورشان، مقامات دولتی به طور کلی در موقعیت بهتری نسبت به داور بین المللی قرار دارند تا در مورد مضمون دقیق خواسته هایشان و همچنین درمورد ضرورت "اجرای یک محدودیت" و یا "کیفر"ی که برایشان قرارداده شده اظهارنظر کنند."

4-مفسرانی چون لیبمی، چنین استدلال کرده اند که ازآنجایی که حاشیه­ی قدردانی صرفاَ مفهومی وابسته به قوانین بین المللی است، نباید مانع رسیدگی دادگاه­های بریتانیا درمورد ارزش­های یک تصمیم، سیاست و قانون و یا دلیل پذیرش آن شود.5- پیشنهاد دیگران مبنی بر احتمال پیشرفت اصلی مشابه حاشیه­ی قدردانی توسط دادگاه­های بریتانیا بوده است.6- پیش از آنکه قانونی به اجرا درآید، پیش بینی دقیق عملکرد آن غیرممکن است.7- دربرخی موارد دادگاه ممکن است چنین نتیجه بگیرد که دلایل ناکافی برای حمایت تصمیم سیاست و یا قانون وجود دارد.8- با این وجود، ممکن است سایرین مشتاق پذیرش نظر کارشناسان تصمیم گیرنده­ای چون دپارتمان دولت، کارشناسان سلامت و یا مجلس شورا باشند.

**The position under U.K. law**

قانون بریتانیا طبق موضع

We will now oonsider the current position under U.K. law in relation to four particular Convention rights, and what

چیزی حقوق کنوانسیون خاص در ارتباط با طبق قانون بریتانیا موضع کنونی درنظر گرفتن اکنون

the effect of the 1998 Act may be when in oomes into force in October 2000.

به اجرا درآمدن زمانی قانون تأثیر

**موقعیت طبق قانون بریتانیا**

حال موقعیت کنونی را بر اساس قانون بریتانیا در ارتباط با چهار مورد از حقوق ویژه­ی کنوانسیون و نیز تأثیرات احتمالی قانون سال 1998 در زمان اجرای آن در اکتبر 2000 مورد بررسی قرار خواهیم داد.

Article 5-Nght to liberty and security

This Article states:

"1. Everyone has the right to liberty and security of person. No one shall be deprived of his **liberty save** in the

آزادیش محروم نخواهدشد هیچ کس امنیت شخص حق آزادی دارد همه کس

following cues and in accordance with a procedure presaibed by law:

به وسیله قانون تشریح کرده رویه براساس موارد زیر

1. **the** lawful detention of **a person** after oonviction by a competent court;

**یک دادگاه صالح محکومیت پس از شخص بازداشت قانونی**

1. the lawful an-est or detention of a person for non-compliance with the lawful order of a ex>urt or in order

برای اینکه ؟ نظم قانونی با سرپیچی دستگیری یک شخص بازداشت قانونی

to secure the ulfillment of any obligation prescribed by law;

از طریق قانون تعیین شده هرگونه تعهد اجرا تضمین کردن

1. the lawful an-est or detention of a person effected for the purpose of bringing him **before the** oompetent

صالح در حضور هدف آوردن برای متأثر دستگیری یک شخص بازداشت قانونی

legal authority on reasonable suspicion of having committed an offence or when it is reasonably

به طور معقول زمانی که جرم مرتکب شده است سوء ظنِّ معقول مقام قانونی

considered necessary to prevent his ex>mmitting an offence or fleeing after having done so;

این چنین انجام شده پس از فرار ارتکاب به جرم جلوگیری ضروری به حساب آمدن

( d) the detention of a minor by lawful order for the purpose of educational supervision or his lawful detention for

بازداشت قانونی نظارت آموزشی هدف نظم قانونی بازداشت یک بزهکار

the purpose of bringing him before the ex>mpetent legal authority;

مقام قانونی ؟ در حضور آوردن او هدف

**(e ) the** lawful detention of persons for the prevention of the spreading of infectious diseases, of penons of

؟ بیماری های عفونی شیوع جلوگیری از بازداشت قانونی افراد

unsound mind, alooholics or drug addicts or vagrants;

**ولگرد معتاد موادمخدر الکلی­ها ذهن ناسالم**

(f) the lawful an-est or detention of a person to prevent his effecting an nauthorized entry into the ex>untry or of a

؟ ورود غیرقانونی نفوذ او جلوگیری بازداشت یک شخص دستگیری قانونی

person against whom action is being taken with a view to deportation or extradition.

استرداد با نظر به اخراج برده شده عملکرد علیه شخص

2. Everyone who is arTeSted shall be informed promptly, in a language which he understands, of the reasons

دلایل می فهمد به زبانی که فوراَ مطلع خواهد شد دستگیر هرکس که

for his an-est and of any charge against him.

علیه او هر مسئولیتی دستگیری او

3. Everyone arTeSted or detained in accordance with the provisions of paragraph l(c) of **this Article shall be**

خواهد شد این مقاله مفاد بند 1 براساس توقیف بازداشت همه کس

brought promptly before a judge or other officer authorised by law to exercise judicial **power and** shall be

خواهد شد اجرای قدرت قضایی به وسیله قانون مأمور مقام مسئول دیگر قاضی قبل از سریعاَ آورده

entitled to trial within a reasonable time or to release pending trial. Release may be oonditioned by guarantees

مشروط به تعهداتی آزادی از بازداشت محاکمه­ی معلق آزادشدن در یک زمان مناسب محاکمه ذیحق

to appear for trial.

محاکمه ظاهر شدن

4. Everyone who is deprived of his liberty by arrest or detention shall be entitled to take proceedings by which

اقدامات ذیحق خواهد بود بازداشت دستگیری آزادی او محروم هر کس

the lawfulness of his detention shall be decided speedily by a oourt and his release ordered if the detention is

بازداشت فرمان آزادی او دادگاه به سرعت تصمیم گرفته خواهد شد قانونی بودن بازداشت او

not lawful.

غیر قانونی

5. Everyone who has been the victim of arrest or detention in oontravention of **the**

سرپیچی از مفاد بازداشت قربانی دستگیری هرکسی که بوده است

provisions of this Article shall have an enforceable right to oompensation.’’

جبران لازم­الاجرا مفاد این مقاله

**-ماده­ی 5- آزادی و امنیت**

این ماده بیان می­دارد:

1- هرکس حق آزادی و امنیت فردی دارد، طبق موارد زیر و براساس رویه­ای که قانون تشریح کرده هیچ کس از آزادی خود محروم نخواهد شد:

الف) حبس قانونی یک فرد پس از محکومیت توسط یک دادگاه صالح؛

ب) بازداشت یا دستگیری قانونی فرد به علت عدم رعایت نظم قانونی یا به منظور تضمین اجرای هرگونه تعهدی که توسط قانون تعیین می­شود؛

ج) دستگیری ویا بازداشت فردی که به خاطر سوء ظن معقولی که در مورد او به علت ارتکاب جرمی وجود داشته نزد یک مقام قانونی صالح برده می­شود و یا زمانی که برای جلوگیری از تخلفی و یا گریختن پس از ارتکاب جرم ضروری دانسته می­شود؛

د) دستگیری بزهکاری با جرم جزئی توسط مجری قانون جهت نظارت تعلیمی و یا دستگیری قانونی او جهت بردن او نزد مقامی قانونی؛

ه) بازداشت قانونی افراد جهت پیش گیری از گسترش بیماری­های عفونی، افراد روانی، الکلی و یا معتاد به مواد مخدر و یا آدم های ولگرد.

و) دستگیری یا بازداشت شخصی جهت جلوگیری از ورود غیرقانونی وی به کشور و یا فردی که علیه او کاری صورت گرفته با درنظر گرفتن اخراج و یا استرداد او

2) هرکس که بازداشت شود باید به سرعت با زبانی که قادر به فهم آن است از علل بازداشت و اتهامی که علیه او وجود دارد آگاه شود.

3) هرکسی که بازداشت می­شود و یا مورد بازجویی قرار می­گیرد طبق مفاد بند 1 (ج) این مقاله، سریعا نزد یک قاضی و یا مقام مسئول دیگری جهت اعمال قدرت قضایی مأمور می­شود و حق محاکمه شدن در زمانی مناسب و یا محاکمه­ی در انتظار آزادی را داراست. آزادی ممکن است مشروط به تعهداتی مبنی بر حضور هنگام محاکمه باشد.

4) هرکس که به خاطر دستگیری و یا بازداشت شدن از آزادی محروم می­شود، حق برخورداری از محاکمه­ای را دارد که به موجب آن قانونی بودن دستگیری او توسط یک دادگاه مشخص می­شود و درصورتی که بازداشت او قانونی نباشد حکم آزادی او صادر خواهد شد.

5) هرکس که در نتیجه­ی سرپیچی از مفاد این مقاله دستگیر و یا بازداشت شود باید خسارت پرداخت کند.

1-Under current English law, State powers in each of these areas are regulated by statute: the Polic:e and Criminal

پلیس مقررات تنظیم شدن هریک از این حوزه­ها قدرت­های دولت قانون انگلیسی کنونی طبق

Evidence Act 1984, Bail Act 1976, and Criminal Justice Ad 1991 (as amended). 2-(For a more detailed

جزئی­تر اصلاح شده آیین دادرسی کیفری قانون وثیقه شواهد کیفری

examination of police powers, see Chapter 6.) 3-The rights of people in their relations with the police are also

همچنین پلیس با روابطشان حقوق مردم فصل نگاه کنید قدرت­های پلیس بررسی

proteded by the ancient writ of *habeus corpus* (requiring detention to be justified to a court), the right to legal advice,

مشاوره­ قانونی حق یک دادگاه موجه شدن نیازمند دستگیری به­وسیله­ی حکم قدیمی احضار حفاظت شدن

the duty solicitor schemes, and the activities of the Police Complaints Authority. 4-Furthermore, a number of civil

تعدادی از اقدامات مدنی علاوه براین فعالیت شکایات فعالیت­های پلیس طرح­های وظیفه­ی مشاور حقوقی

actions may be used to remedy any unlawful infringement of personal freedom: assault, wrongful arrest, false

دستگیری اشتباهی حمله آزادی فردی نقض غیرقانونی جبران مورد استفاده اعمال

imprisonment and malicious prosecution. 5-Regarding mental health, under the Mental Health Act 1983, a person

یک شخص قانون سلامت ذهنی مطابق سلامت روانی باتوجه به محاکمه­ی بدخواهانه حبس اشتباهی

suffering from a mental disorder can be detained against their will, provided two dodors certify that this is

گواهی دهند ؟ ارائه دادن برخلاف خواسته شان بازداشت شدن اختلال روانی رنج بردن

necessary to proted the individual himself or society at large. 6-Specific protedion is offered as the validity of any

اعتبار هرگونه پیشنهاد شده حمایت ویژه کل اجتماع خود فرد حفاظت ضروری

such detention (or its oontinuation) may be challenged before the Mental Health Review Tribunal. 7-*Liberty* has

لیبرتی تجدید نظر سلامت روان پیش از به چالش کشیده شود یا ادامه­ی آن چنین بازداشتی

observed that some "stop and search" provisions may need to be revised in order to comply with the Convention.

کنوانسیون سازگارشود بازبینی شود نیازمند مفاد جستجو و توقف برخی مشاهده کرده

8-It may also be that imprisonment for oontempt of court in civil cases will need to be reviewed.

بازبینی شوند نیازخواهد بود موارد مدنی بی حرمتی به دادگاه حبس همچنین

1-طبق قانون انگلیسی حاضر، قدرت­های دولتی در هر یک از این حوزه­ها توسط قانون تنظیم می­شوند: پلیس: قانون شواهد کیفری سال 1984، قانون وثیقه­ی 1976 و آیین دادرسی کیفری 1991 (با اصلاح) . 2-( برای بررسی دقیق تر قدرت­های پلیس به فصل 6 مراجعه کنید) حقوق افراد در رابطه شان با پلیس نیز به­وسیله­ی حکم قدیمی احضار به دادگاه حفاظت می­شود.3- ( نیاز است که دستگیری برای دادگاه توجیه شود)، حق قانونی مشاوره، طرح­های وظیفه­ی مشاور حقوقی و فعالیت­های اداره­ی شکایات پلیس.4-علاوه­ براین، تعدادی از اقدامات مدنی ممکن است برای جبران هرگونه نقض غیرقانونی آزادی شخصی مورد استفاده قرار گیرد: حمله، دستگیری غیرقانونی، حبس اشتباهی محاکمه­ی بدخواهانه. 5-باتوجه به سلامت روانی، طبق مصوبه­ی سلامت روان سال 1983، فرد مبتلا به اختلال روانی را می­توان برخلاف خواست خودش بازداشت کرد، درصورتی که دو تن به ضرورت این کار گواهی دهند که این کار برای حفاظت از خود شخص و یا عموم اجتماع ضروری است. 6-برای اعتبار بخشیدن به چنین دستگیری (و یا ادامه­ی آن) حمایت ویژه عرضه می­شود و ممکن است در تجدید نظر سلامت روان مورد چالش قرار گیرد.7- لیبرتی پی برده است که برخی از مفاد "توقف و جستجو" ممکن است نیازمند بازبینی باشند تا با کنوانسیون سازگار شوند.8- این موضوع ممکن است به این معنا باشد که حکم حبس به علت بی­حرمتی به دادگاه در موارد مدنی نیازمند بررسی است.

**Article 8-Right *to* respect for private and family life**

**زندگی خانوادگی خصوصی احترام**

This Article states:

بیان می­دارد این مقاله

"1. Everyone has the right to respect for his private and family life, his home and his correspondence,

مکاتباتش خانه­اش زندگی خانوادگی خصوصی احترام به حق همه

2. There shall be no interference by a public authority with the exercise of this right except such as is in

بجز اجرای این حق یک مقام دولتی هیچ تداخلی وجود نخواهد داشت

accordance with the law and is necessary in a democratic society in the interests of national security, public

امنیت ملی منافع جامعه­ی دموکراتیک ضروری قانون مطابق

safety or the economic well-being of the oountry, for the prevention of disorder or crime, for the protedion of

حفاظت از سلامت جنایت جلوگیری از بی­نظمی رفاه کشور اقتصادی امنیت همگانی

health or morals, or for the protedion of the rights and freedoms of others."

آزادی همگان حمایت از حقوق اخلاقیات

1-This is the one right under the Convention that is not already reoognised to some degree by statute or oommon law.

قانون همگانی نظام نامه تا حدی شناخته تاکنون نشده طبق کنوانسیون حق

2-It is likely to have important oonsequences regarding the interception of oommunications, whether written,

نوشته شده منع ارتباطات باتوجه پیامدهای مهم احتمالاَ

telephonic or electronic *(t.g.* emails). 3-It may also require some revision to the rules relating to data protedion. 4-We

حفظ داده­ها مربوط به قوانین بازنگری نیازمند همچنین ایمیل­ها الکترونیک تلفنی

should note that privacy is not limited to the home but extends, for example, to the workplace. 5-However, the

بااین وجود محل کار برای مثال گسترش می­یابد محدود به محیط خانه حریم خصوصی توجه کنیم باید

limitation of the duties under the Act to “public authorities” means that this does **not** create a general right to

یک حق عمومی برای ایجاد نمی­کند به این معناست مقامات دولتی طبق قانون محدودیت وظایف

privacy ***(e.g.*** privacy from media intrusion).

از دخالت رسانه­ها حریم خصوصی

**ماده 8- حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی**

این ماده بیان می­دارد که­:

"1- هرکس حق داردکه به زندگی خصوصی و خانوادگی خود، خانه و مکاتباتش احترام بگذارد.

2- مقامات دولتی در اجرای این حق اختلال ایجاد نمی­کنند مگر اینکه طبق قانون این کار صورت گیرد و این امر در یک جامعه­ی دموکراتیک به خاطر حفظ امنیت ملی و عمومی و یا رفاه اقتصادی کشور جهت جلوگیری از بی­نظمی و یا جنایت، برای حفاظت از سلامت یا اخلاق و یا برای حفظ حقوق و آزادی­های دیگران ضرورت داشته باشد."

1-طبق کنوانسیون این حقی است که هم اکنون در نظام نامه­­ و یا قانون همگانی تا حدی ناشناخته مانده است. 2-این امر ممکن است پیامدهایی مهم در رابطه با استراق سمع درارتباطات نوشتاری، تلفنی و یا الکترونیکی (مانند ایمیل) به دنبال داشته باشد.3-همچنین ممکن است نیازمند بازنگری قوانین مربوط به حفظ داده­ها باشد.4- باید خاطرنشان کنیم که حریم خصوصی به محیط خانه محدود نمی­شود بلکه فراتر می­رود، مثلا تا محل کار گسترش می­یابد.5- با این حال، طبق قانون محدود شدن وظایف به مقامات دولتی به این معناست که این مسأله حقی همگانی را برای حفظ حریم خصوصی (مثلا حفظ حریم خصوصی دربرابر دخالت رسانه­ها) بوجود نمی­آورد.

**Article 10-Freedom of expression**

آزادی بیان

This Article states:

بیان می­دارد ماده

"1. Everyone has the right to freedom of expression. This right shall include freedom to hold opinions and

نظرات آزادی شامل این حق آزادی بیان حق همه کس

to receive and impart information and ideas without interference by public authority and regardless of

بی­توجه به مقام دولتی بدون دخالت ایده­ها اطلاعات فاش کردن دریافت

frontiers. This Article shall not prevent States from requiring the licensing of broadcasting, television or

تلویزیون گواهی­نامه­پخش نیازمند دولت­ها منع نخواهد کرد این مقاله مرزها

cinema enterprises.

فعالیت می­کند

2. The exercise of these freedoms, since it carries with it duties and responsibilities, may be subject to

معطوف به مسئولیت­ها وظایف دربرداشتن چونکه اجرای این آزادی­ها

such formalities, conditions, restrictions or penalties as are prescribed by law and are necessary in a

ضروری قانون تعیین شده­اند مجازات محدودیت­ها شرایط چنین تشریفاتی

democratic society, in the interests of national security, territorial integrity or public safety, for the

امنیت عمومی تمامیت ارضی امنیت ملی منافع جامعه­ی دموکراتیک

prevention of disorder or crime, for the protection of health or morals, for the protection of the reputation

حفاظت از اعتبار اخلاقیات حفاظت از سلامت جنایت جلوگیری از بی­نظمی

or rights of others, for preventing the disclosure of information received in confidence, or for

اعتماد دریافت شد افشای اطلاعات جلوگیری از حقوق دیگران

maintaining the authority and impartiality of the judiciary."

بی­طرفی قوه­ی قضاییه حفظ اقتدار

**ماده­ی 10- آزادی بیان**

این ماده بیان می­دارد که:

1. هر فرد حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی داشتن نظرات و دریافت و بازگو کردن اطلاعات و ایده­ها بدون دخالت مقامات دولتی و بدون توجه به حد و مرزهاست. این ماده مانع دولت­ها برای درخواست مجوز پخش، تلویزیون و یا کارهای سینمایی نمی­شود.
2. اعمال این ازادی­ها، تا زمانی که همراه با انجام مسئولیت ها و وظایف باشد، ممکن است مشروط به چنین تشریفات، شرایط، محدودیت­ها ویا مجازاتی باشد که توسط قانون از پیش تعیین شده­اند و در جامعه­ای دموکراتیک و به­خاطرحفظ امنیت ملی، تمامیت ارضی و یا امنیت عمومی، برای جلوگیری از بروز اختلال یا جنایت، برای حفظ سلامت یا اخلاق، برای محافظت از اعتبار وحقوق دیگران، برای جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه­ی دریافت شده و یا حفظ اقتدار و بی­طرفی قوه­ی قضاییه ضرورت دارند."

1-Freedom of expression is an essential democratic right. 2-However, it is also one that is subject to significant

منوط به همچنین با این وجود حق دموکراتیک ضروری آزادی بیان

restrictions under existing English law. 3-A general level of censorship is imposed by the **Obscene**

**تحمیل شده سطحی عمومی سانسور قانون انگلیسی موجود مطابق محدودیت­ها**

**Publications Act 1959** and common law offences of corrupting public morals and outraging public decency.

توهین به آداب عمومی بی­حرمتی به اخلاقیات همگانی تخریب اخلاق عمومی قانون انتشارات شنیع

4-More specific powers to censor, regulate and certify exist under the **Cinemas Act 1985,** the **Video Recordings**

**ویدیو رکوردها قانون سینماها مطابق وجوددارد تأیید کردن تنظیم کردن سانسور قدرت­های خاص­تر**

**Act 1984,** and the **Indecent Displays (Control) Act 1991.** 5-Television broadcasting is regulated by the

**تنظیم شده پخش تلویزیونی نمایش­های شنیع**

**Broadcasting Act 1990** and the **Broadcasting Standards Commission. 6-**Newspapers are, for the moment,

هم**­اکنون روزنا­مه­ها کمیسیون استانداردهای پخش قانون پخش**

subject to self­regulation by the **Press Complaints Commission. 7-**This is an area that generates almost constant

همیشگی تقریباَ تولیدمی­کند حوزه کمیسیون شکایات مطبوعات کنترل

controversy. 8-The possibility of Article 10 defences may well add to this.

اضافه شود دفاع می­کند ماده امکان بحث­برانگیز

9-The **Official Secrets Act 1939** protects information sensitive to national security. 10-However, the Act has been

قانون بااین­وجود امنیت ملی حساس­به اطلاعات حمایت­ می­کند قانون اسرار رسمی

criticised on many occasions for being too widely drawn, and a number of prosecutions *(e.g.* of Clive

شماری از محاکمه­ها به­طور گسترده در بسیاری موارد نقد شده اند

Ponting in 1985) have proved controversial. 11-There have been repeated calls for greater openness and

روشن­تربودن فکر تماس­های مکرر بحث­برانگیز بوده­اند

freedom of information in government. 12-However, the law has a difficult task here in balancing legitimate

قانونی متعادل کردن اینجا یک وظیفه­ی سخت قانون بااین­وجود در دولت آزادی اطلاعات

national security concerns with the equally legitimate need for a democratic government to be subject to

مشروط به یک جامعه­ی دموکراتیک نیاز قانونی برابر با نگرانی­های امنیت ملی

public scrutiny. 13-The incorpora­tion of the Convention rights may require reform in this area, particularly

خصوصاَ در این حوزه اصلاح نیازمند حقوق کنوانسیون تلفیق بررسی عمومی

regarding the use of Public Interest Immunity Certificates (so-called ''gagging'' orders).

؟ به اصطلاح گواهی­نامه­ها امنیت منافع ملی استفاده از توجه به

14-Less controversial restrictions are imposed by the law of **defamation,** designed to protect an individual's

شهرت فردی حمایت طراحی قانون هتک آبرو تحمیل شده­اند محدودیت­های بحث­برانگیز کمتر

reputation from untrue and damaging allegations. 15-The balance between the

بین تعادل اتهامات مخرب نادرست شهرت

general interest in free speech and the individual’s interest in protecting his good name is maintained through

از طریق باقی­مانده نام نیک درحمایت از منافع فردی سخنرانی آزاد منافع عمومی

the availability of various defences (for example, fair comment on a matter of public interest). 16-It is likely that

احتمالا منافع عمومی مسأله نظر منصفانه برای مثال دفاعیات مختلف موجود

Article 10 will strengthen the public interest defence. 17-Furthermore, a duty not to disclose information

افشای اطلاعات وظیفه علاوه­براین دفاع منافع عمومی تقویت خواهد کرد ماده 10

(personal or commercial) may exist under a contract **(e.g.** of employment) or in tort a (duty of **confidentiality).**

**وظیفه ی قابلیت اعتماد استخدام طبق یک قرارداد وجوددارد تجاری شخصی**

1-آزادی بیان یک قانون دموکراتیک ضروری است.2- با این حال، این مسأله هم منوط به محدودیت­های جدی طبق قانون انگلیسی موجود است.3- سطحی عمومی از سانسور توسط قانون انتشارات شنیع سال 1959 و جرایم معمول تخریب اخلاق عمومی و بی حرمتی به آداب و اصول همگانی اعمال شده است. 4-قدرت­های ویژه­ی سانسور، تنظیم و تأیید طبق مصوبه­ی 1985 مربوط به سینماها، مصوبه­ی ضبط ویدیو 1984 ، قانون (کنترل) نمایش­های غیراخلاقی سال 1991 وجود دارد.5-پخش تلویزیونی به وسیله­ی قانون پخش 1990 و کمیسیون استانداردهای پخش، برنامه­ریزی شده است.6- روزنامه­ها، در حال حاضرتحت کنترل خود کمیسیون شکایات مطبوعات قرار دارند.7- این حوزه­ای است که تقریباَ درهرزمانی بحث برانگیز است. 8-امکان دفاع از ماده­ی 10 به درستی به این مسأله افزوده می­شود.

9-قانون اسرار رسمی سال 1939 اطلاعاتی راکه برای امنیت ملی حساس است محافظت می­کند. 10-با این حال، این قانون به علت اینکه حدود بسیار گسترده­ای دارد دربسیاری موارد مورد انتقاد قرار می­گیرد و شماری از محاکمه­ها (همانند کلیو پونتینگ در سال 1985) بحث برانگیز بوده اند.11- تماس­های مکرر برای آشکاری وآزادی اطلاعات در دولت انجام شده است. 12-بااین وجود وظیفه­ی قانون برای متعادل کردن مسائل مشروع امنیت ملی با نیاز به همان مشروعیتی که در یک دولت دموکراتیک باید مورد بررسی عمومی قرار گیرد دشوار است.13- پیوستن به حقوق کنوانسیون ممکن است نیازمند اصلاحات در این حوزه باشد، به خصوص در مورد استفاده از گواهی­نامه­های امنیت منافع ملی (به اصطلاح "احکام محدودیت") . 14-محدودیت­هایی که کمتر بحث برانگیز هستند به وسیله­ی قانون هتک آبرو جهت حفاظت از آبروی فردی دربرابر اظهارات دروغ و تخریب گر اعمال می­شود. 15-تعادل بین منافع عمومی در سخنرانی آزاد و منافع فردی در حفظ نام نیک خود، از طریق دفاعیه­های مختلف موجود (برای مثال نظر منصفانه درمورد موضوعی مربوط به منافع عمومی) محافظت می­شود. 16-احتمالا ماده­ی 10 ، دفاع از منافع عمومی را تقویت کند. 17-علاوه بر این، وظیفه­ی عدم افشای اطلاعات (شخصی ویا تجاری) ممکن است در قراردادی ذکر شده باشد (مثلا در قرارداد استخدام) و یا در جرم و جنایت (وظیفه­ی رازداری).

**Article 11-freedom of assembly and association**

This Article states:

" 1. Everyone has the right to freedom of peaceful assembly and to freedom of association with others, including the right to form and to join trade unions for the protection of his interests.

2. No restrictions shall be placed on the exercise of these rights other than such as are prescribed by law and are necessary in a democratic society in the interests of national security or public safety, for the prevention of disorder or crime, for the protection of health or morals or for the protection of the rights and freedoms of others. This Article shall not prevent the imposition of lawful restrictions on the exercise of these rights by members of the armed forces, of the police or of the administration of the State."

**ماده­ی 11- آزادی انجمن­ها و تشکل­ها**

این ماده بیان می­دارد که:

"1- هرکس حق آزادی شرکت در اجتماعات صلح آمیز و رابطه با سایرین، از جمله حق تشکیل و پیوستن به اتحادیه­های کارگری برای حفاظت از منافع خود را دارد.

2-اجرای این حقوق با هیچ محدودیتی مواجه نخواهد شد جز در مواردی که در قانون آمده است و برای حفاظت از امنیت مالی یا عمومی، برای جلوگیری ازبروز اختلال یا جرم، برای حفاظت از سلامت یا اخلاق و یا حفاظت از حقوق و آزادی­های دیگران در یک جامعه­ی دموکراتیک ضروری است. این ماده نباید مانع اعمال محدودیت­های قانونی توسط نیروهای مسلح، افراد پلیس و یا اعضای دولت در اجرای این حقوق شود.

1-The freedom for people to associate together **(e.g.** in political parties, pressure groups or trade unions) and

اتحادیه­های کارگری گروه­های فشار گروه­های سیاسی باهم ارتباط داشتن مردم آزادی

to assemble together **(e.g.** to hold meetings, rallies or protest marches) **are, again,** essential democratic rights.

حقوق مهم دموکراتیک دوباره تظاهرات معترضانه فراخوان­ها جلسات برگزار کردن باهم جمع شدن

2-However, this needs to be balanced against the need to maintain public order and to enable others to pursue

پیگیری دیگران توانمندکردن نظم عمومی حفظ کردن نیاز به برخلاف متعادل شود نیازمند است بااین وجود

their own lawful and legitimate activities. 3-Therefore, there are restrictions on freedom of association under

طبق آزادی ارتباط محدودیت­ها وجوددارند بنابراین فعالیت­های قانونی قانونیشان

the **Public Order Act 1936** (which outlaws quasi-military organisations and the wearing of uniforms or

پوشیدن یونیفرم سازمان­هی شبه نظامی ممنوع کردن قانون نظم عمومی

military **insignia** by political groups-originally introduced to counter the rise of the fascist ''blackshirts" in the

سیاه­پیراهنان قیام حزب فاشیست روبروشدن معرفی شده دراصل گروه­های سیاسی آرم نظامی

1930s), and the prevention of terrorism legislation (which outlaws paramilitary groups). 4-Regarding

باتوجه به نیروهای شبه نظامی ممنوع کردن جلوگیری از قانونگذاری تروریستی

freedom of assembly, the Public Order Act 1986 grants the police, together with local authorities, the power

قدرت مقامات محلی باهم پلیس اعطا می­کند نظم عمومی آزادی اجتماعات

to regulate protest marches, and also incorporates three specific public order offences: riot; violent disorder;

اختلال خشونت آمیز شورش جرم­های همگانی خاص یکی کردن همچنین تظاهرات اعتراض­آمیز کنترل

and affray. 5-Further restrictions were introduced, despite considerable public opposition, by the Criminal

کیفری مخالفت عمومی قابل توجه علیرغم معرفی شدند محدودیت­های بیشتر غوغا

Justice and Public Order Act 1994 in relation to “raves”, “travellers” and protests. 6-It may well be the case

پرونده اعتراضات مسافران آشوب­ها درارتباط با قانون نظم عمومی عدالت

that those facing criminal proceedings in this area will seek to raise both Article 11 and Article 10 defences.

مدافعات ماده هردو ماده افزایش جستجو این حوزه اعمال جنایت آمیز روبرو شدن

1-آزادی افراد برای همکاری با یکدیگر، (به عنوان مثال در احزاب سیاسی، گروه­های فشار یا اتحادیه­های کارگری) و برای گردهم آیی (به عنوان مثال، برای برگزاری جلسات، فراخوان­ها یا راهپیمایی­های اعتراض آمیز) هم مجدداَ حقوق دموکراتیک ضروری است.2- با این وجود این نیاز به تعادل دربرابر نیاز به حفظ نظم عمومی و توانمند کردن افراد برای پیگیری فعالیت­های قانونی و مشروع خود قرار دارد. 3- بنابراین، طبق قانون نظم عمومی 1936، محدودیت­های درمورد آزادی ارتباطات وجود دارد (که سازمان­های شبه نظامی و پوشیدن لباس و یا آرم نظامی توسط گروه­های سیاسی را ممنوع میکند- که در اصل برای جلوگیری از قیام حزب فاشیستِ "سیاه پیراهنان" در دهه­ی 1930 بود) پیشگیری از قوانین تروریستی (که گروه­های شبه نظامی را طرد می­کند).

4-درمورد آزادی گردهم آیی، قانون نظم عمومی 1986، به پلیس و مقامات محلی قدرت تنظیم تظاهرات اعتراض آمیز و همچنین نظارت بر سه جرم عمومی خاص را اعطا می­کند، این سه جرم عبارتند از: شورش، اختلال خشونت آمیز، و برهم زدن آرامش و نظم عمومی. 5- محدودیت­های بیشتر ، علی­رغم مخالفت عمومی قابل توجه، توسط قانون مجازات کیفری و نظم عمومی در ارتباط با "آشوب­ها" ، "مسافران" و "اعتراضات" مطرح شد. 6- این ممکن است موردی باشد که آن­هایی که با اعمال جنایت آمیز در این حوزه روبه رو می­شوند به دنبال افزایش مدافعات هردو ماده­ی 10 و 11 باشند.

**Revision Notes**

یادداشت­های بازنگری

You should now write your revision notes for Restrictions and Limitations. **Here** is **an** example for you and

یک مثال محدودیت­ها محدودیت­ها یادداشت­های بازنگری نوشتن اکنون باید

some suggested headings:

عناوین پیشنهادی برخی

**ftc!IL(p-llestrlctlons under the Convention**

کنوانسیون طبق

* not all Convention rights are absolute

مطلق حقوق کنوانسیون

* absolute inc. Arts 3,4,7

مطلق

* limited (specific limitations in Convention) inc. Art.5

کنوانسیون محدودیت ­های خاص محدود

* qualified (may be qualified by state where qualification has basis in law and is necessary in a democratic society

جامعه­ی دموکراتیک ضروری قانون اساس صلاحیت دولت شایسته شایسته

* [pressing social need/legitimate aim/ proportionate]) inc. Arts 8,9,10,11

مواد متناسب هدف قانونی نیاز اجتماعی ضروری

R&L<D-Restrictions under the Convention R&Ub-Rule of Law R&Le-Proportionality

R&L©-Margin of Appreciation R&I.$-Art.5 Liberty

R&~Art.8 Privacy

R&L0-Art.10 Expression R&l.$-Art.11-Assembly

Using your cards, you should now be able to write a short paragraph in response to each of the following questions:

سؤالات زیر هریک از پاسخ به پاراگراف کوتاه نوشتن قادر اکنون باید با استفاده از کارت های خود

1. Explain the basis of restrictions under the Convention.

طبق کنوانسیون اساس محدودیت­ها توضیح دهید

1. Explain the principle of the rule of law under the Convention.

طبق کنوانسیون حاکمیت قانون اصل توضیح دهید

1. What is meant by the "principle of proportionality''?

اصل تناسب معنا

1. Explain the notion of the "margin of appreciation".

حاشیه­ی قدردانی مفهوم توضیح دهید

1. Discuss the position under English law in relation to the following convention rights, including the possible

اثرات ممکن شامل حقوق کنوانسیون زیر در ارتباط با قانون انگلیسی مطابق موضع بحث کنید

effects of the Human Rights Act 1998:

قانون حقوق بشر

1. Article 5 (Liberty)

آزادی ماده

1. Article 8 (Privacy)

حریم خصوصی ماده

(cl Article 10 (Expression) (di Article 11 (Assembly)

اجتماعات ماده بیان ماده

**یادداشت­های بازنگری**

اکنون شما باید یادداشت­های خود را درمورد محدودیت­ها و حد و مرزها بنویسید. در اینجا یک نمونه و برخی عناوین پیشنهادی ارائه شد:

Ftc!lL (P-llestrlctlons طبق کنوانسیون :

-تمام حقوق کنوانسیون مطلق نیستند

-ثبت مطلق(یک شرکت) مواد 3،4، و 7

-ثبت محدود (محدودیت­های خاص در کنوانسیون) ماده­ی 5

-ثبت مشروط (ممکن است توسط دولت که اساس اصلاحات در قانون است و در یک جامعه­ی دموکراتیک ضروری است واجد شرایط باشد {نیاز مبرم اجتماعی / هدف قانونی / متناسب ) مواد 8، 9، 10 و 11

R&L<D-Restrictions under the Convention R&Ub-Rule of

Law R&Le-Proportionality

R&L©-Margin of Appreciation R&I.$-Art.5 Liberty

R&~Art.8 Privacy

R&L0-Art.10 Expression R&l.$-Art.11-

با استفاده از کارت­های خود، اکنون باید قادر باشید که در پاسخ به هریک از سؤالات زیر یک پاراگراف کوتاه بنویسید.

1. اصل حاکمیت قانون را بر اساس کنوانسیون توضیح دهید.
2. اصل حاکمیت قانون را بر اساس کنوانسیون توضیح دهید.
3. منظور از "اصل تناسب" چیست؟
4. مفهوم "حاشیه­ی قدردانی" را توضیح دهید.
5. موضع را مطابق با قانون انگلیسی در ارتباط با حقوق کنوانسیون که در زیر آمده و شامل تأثیرات احتمالی حقوق بشر مصوبه 1998 توضیح دهید:

الف) ماده­ی 5 (آزادی)

ب) ماده­ی (حریم خصوصی )

ج) ماده­ی 10 (بیان)

د) ماده­ی 11 (گردهم آیی)

**Useful Websites**

**وب­سایت­های سودمند**

~ See those listed at the end of Chapter 34.

انتهای فصل 34 لیست شده ببینید

**وب سایت­های مفید**

موارد ذکر شده در پایان فصل 34 را ببینید

~ Human Rights-Protection and Enforcement

اجرا حمایت از حقوق بشر

Key Points

نکات کلیدی

After reading this chapter, you will be able to:

قادر خواهید بود این فصل پس از مطالعه

~ describe the main provisions of the Human Rights Act 1998; ~ explain the duty on public

وظیفه توضیح دهید قانون حقوق بشر مفاد اصلی

**authorities;**

**مقامات دولتی**

~ **define a** ‘’victim” under the Act;

قربانی طبق قانون

~ di8CU88 the role of the U.K. courts under the Act;

طبق قانون دادگاه­های بریتانیا نقش

~ di8CU88 the **position** of the European Court of **Human Rights;** ~ **ClOmider whether a**

**که آیا ؟ حقوق بشر دادگاه اروپایی موضع**

**Human Rights Commission** is **required;**

**مورد نیاز است کمسیون حقوق بشر**

~ **explain** how **laws** found to be in breach of the Convention can **be rectified;** ~ explain the remedies

راه­حل­ها توضیح دهید اصلاح کردن نقض کنوانسیون قوانین چگونه

available to the victim.

**حمایت از حقوق بشر و اجرای آن** قربانی موجود

**نکات کلیدی**

پس از مطالعه­ی این فصل قاد خواهید بود تا:

* مفاد اصلی مصوبه­ی حقوق بشر 1998 را توصیف کنید؛
* وظایف مقامات عمومی را توضیح دهید؛
* طبق مصوبه­ تعریفی از "قربانی" به دست دهید؛
* نقش دادگاه­های بریتانیا را طبق قانون توضیح دهید؛
* موقعیت دادگاه اروپایی حقوق بشر را توضیح دهید؛
* بررسی کنید که آیا نیاز به یک کمیسیون حقوق بشر وجود دارد؛
* توضیح دهید که چگونه می­توان قوانین موجود در نقض کنوانسیون را تصحیح کرد؛
* راه­حل های موجود برای قربانی را توضیح دهید؛

**The Human Rights Act 1998**

The Convention rights are incorporated into English law by section 1. We must now consider the main provisions

of the Act in relation to the duties it imposes, the powen it grants, and the remedies it provides.

**مصوبه­ی حقوق بشر 1998**

حقوق کنوانسیون توسط بخش 1 با قانون انگلیسی یکپارچه شده است. ما اکنون باید مفاد این قانون را در رابطه با وظایفی که تحمیل می­کند، قدرتی که می­بخشد و راه­حل هایی که ارائه می­در نظر بگیریم.

**The duty on public authorities**

مقامات دولتی وظیفه

By **section 6,** it is unlawful for a "public authority'' to act in a manner incompatible with the convention. This

کنوانسیون یک رفتار ناسازگار عمل کند مقامات دولتی غیرقانونی بخش 6

coven all aspects of the public authority s activities including:

شامل فعالیت­های مقامات دولتی تمام جنبه­های

* Drafting rules and regulations;

مقررات قوانین پیش­نویس

* Internal staff and penonnel issues;

مسائل ؟ کارکنان داخلی

* Administrative procedures;

روند کاری

* Decision-making;

تصمیم گیری

* Policy implementation;

پیاده سازی سیاسی

* Interaction with members of the public.

اعضای دولتی تعامل

The term "public authority'' covers three broad categories:

سه مقوله­ی گسترده پوشش می­دهد مقام دولتی اصطلاح

1. obvious public authorities such as a Minister, a government department or agency, local authorities, health

سلامت مقامات محلی آژانس دپارتمان دولت وزیر همانند مقامات دولتی برجسته

authorities and trusts, the Armed Forces and the police;

پلیس نیروهای مسلح اعتماد مقامات

1. courts and tribunals;

محاکمه­ها دادگاه­ها

1. any person or organisation that carries out functions of a public nature. Under the Act, however, they are only

صرفاَ بااین وجود طبق قانون ماهیت دولتی عملکردهای برعهده دارد سازمان هرشخصی

considered a public authority in relation to their public functions c~.g. *Railtradc* is a public authority in relation

درارتباط با مقام دولت Railtrack عملکردهای عمومی دررابطه با یک مقام دولتی به حساب می­آید

to its work **as a** safety regulator for the railways, but not when **acting as a** commercial property developer).

یک توسعه دهنده­ی تجاری املاک عمل می­کند زمانیکه راه­های آهن تنظیم گرِ ایمنی ِ

**وظایف مقامات دولتی**

باتوجه به بخش 6، برای یک مقام دولتی غیرقانونی است که به شیوه­­ای ناسازگار کنوانسیون عمل کند. این موضوع تمام جنبه­های فعالیت­های مقامات دولتی را شامل می­شود. از جمله:

- پیش نویس کردن قوانین و مقررات؛

- کارکنان داخلی و مسائل Penonnel؛

- روند اداری؛

- تصمیم گیری؛

- پیاده­سازی سیاسی؛

- تعامل با اعضای دولتی؛

اصطلاح "مقام دولتی" سه مقوله­ی گسترده را دربر می­گیرد:

1. مقامات دولتی برجسته مانند یک وزیر، یک آژانس یا سازمان دولتی، مقامات محلی، مقامات سلامتی و اعتماد، نیروهای مسلح و پلیس؛
2. دادگاه­ها و محاکمه­ها
3. هر شخص و یا سازمانی که وظایفی با ماهیت دولتی را برعهده دارد با این حال آن ها تنها یک مقام دولتی در رابطه با وظایف دولتی­شان به حساب می­آیند ( مثلا Railtrack در رابطه با کارش به عنوان تنظیم گرِ ایمنی ِ راه آهن یک مقام دولتی به حساب می­آید اما نه زمانی که به عنوان یک توسعه دهنده­ی تجاری املاک عمل می­کند)

1-We should note that Parliament is expressly excluded from the scope of the Act. 2-This means that Parliament

پارلمان به این معناست محدوده­ی قانون بیرون رانده­شد صراحتاَ پارلمان باید توجه کنیم

remains fully sovereign and free to enact incompatible legislation should it so wish. 3- By section 19, the minister

وزیر بخش چنین میخواهد باید قوانین ناسازگار تصویب کند آزاد مستقل کاملاَ باقی می­ماند

promoting a Bill must, before second reading, make a written statement either that, in his view, the provisions of

مفاد لایحه در نظر او اظهارنامه­ی کتبی پیش از مطالعه مجدد باید لایحه حامی

the Bill are compatible with the Convention, or that, although not compatible, the government nevertheless wished

بااین وجود دولت سازگار اگرچه کنوانسیون سازگار

to proceed with the Bill.

لایحه با ادامه­ دادن

1-ما باید توجه داشته باشیم که پارلمان به صراحت از محدوده­ی قانون بیرون رانده شده است. 2-این بدان معنی است که پارلمان همچنان آزاد و مستقل است که قوانین ناسازگار را آنطور که خود می­خواهد تصویب کند.

3-با توجه به بخش 19، وزیر حامی یک لایحه، باید پیش از مطالعه­ی مجدد، اظهار نظری کتبی داشته نوشته باشد که از منظر او یا با مفاد لایحه­ی کنوانسیون سازگار باشد یا اینکه، اگر چه ناسازگار باشد، دولت متمایل به ادامه­ی همکاری با لایحه است.

**The victim**

قربانی

1-By section 7, a person is able to rely on their Convention rights by bringing proceedings (e.g. judicial review) or in

بررسی قضایی اقدامات آوردن حقوق کنوانسیون تکیه کردن بر یک شخص

any proceedings brought against them (e.g. by way of counterclaim or defence). 2-However, they may only do so if

صرفاَ بااین وجود دفاع از طریق دعوی متقابل علیه آنها اقدامات

they are (or would be) a victim of the unlawful act. 3- A "victim" is someone who is directly affected by the act in

تحت­تأثیر قرار گرفت مستقیماَ کسی که قربانی قربانی عمل غیرقانونی می باشد هستند

question. 4-Victims can include companies as well as individuals and may also be relatives of the victim where a

جایی که خویشاوندان قربانی همچنین ممکن است افراد همچنین شرکت­­ها شامل قربانی­ها سؤال

complaint is made about his death.5- An organisation, interest group, or trade union cannot bring a case unless it is

مگراینکه پرونده نمیتواند اتحادیه­ی کارگری گروه متحد سازمان مرگ او شکایت

itself a victim, but there is nothing to stop it providing legal or other assistance to **a** victim.

قربانی یاری سایر قانونی ارائه دادن هیچ چیز قربانی خودش

**قربانی**

1-باتوجه به بخش 7، شخص می­تواند تا برحقوق کنوانسیون به وسیله­ی تشکیل صورت­جلسات (مانند نظارت قضایی) و یا هر پرونده­ای که علیه آن­ها تشکیل می­شود (مثلاَ با استفاده از دفاع یا دعوی متقابل ) تکیه کند.2- با این وجود، آن­ها درصورتی چنین کاری می­کنند که قربانی عملی غیرقانونی باشند (بشوند).3- "قربانی" کسی از که به طور مستقیم تحت تأثیر این اقدام مورد بحث قرار می­گیرد.4- قربانیان می­توانند شامل شرکت­ها و همچنین افراد باشند و نیز ممکن است درصورتی که شکایتی در مورد مرگ شخص صورت گیرد بستگان قربانی باشند.5- یک سازمان، گروه متحد، و یا یک اتحادیه­ی تجاری نمی­تواند پرونده­ای تشکیل دهد مگر آنکه خود قربانی باشد اما حتی با ارائه­ی کمک قانونی به یک قربانی یا سایر کمک­ها دیگر نمی­توان آن را متوقف کرد.

**The U.K. courts**

دادگاه­های بریتانیا

1-By section 3(1), the courts must, so far as it is possible to do so, interpret legislation in such a way as to make it

ساختن راهی چنین قوانین تفسیر ممکن تاکنون دادگاه­ها بخش 3

compatible with the Convention. 2- However, as noted above, the Act expressly preserves the full sovereignty of

استقلال پارلمان کامل محافظت کردن آشکارا قانون دربالا ذکر شد با این وجود کنوانسیون با سازگار

Parliament Thus, while the courts may quash decisions or actions incompatible with Convention rights, or annul

لغو کردن حقوق کنوانسیون با ناسازگار فعالیت­ها تصمیمات فسخ کردن دادگاه­ها درحالیکه

delegated legislation on

قوانین برگزیده

grounds of incompatibility, they cannot disapply an Act of Parliament **(section** 3(2)(b)). 3-The government **gave** its

دولت بخش قانون پارلمان نقض کردن به خاطر ناسازگاری

reasons for this in the **“Rights Brought Home” White Paper:**

**مقاله­ی سفید حقوق به خانه آورده شده دلایل**

4-“The Government has reached the conclusion that courts should not have the power to set aside primary

اصلی کنار گذاشتن قدرت نباید داشته باشند دادگاه­ها نتیجه­گیری رسیده است دولت

legislation, past or future, on the ground of incompatibility with the Convention. 5-This conclusion arises from

ناشی می­شود این نتیجه کنوانسیون با به خاطر ناسازگاری آتی گذشته قانونگذاری

the importance which the Government attaches to Parliamentary sovereignty. 6-In this context, Parliamentary

پارلمانی پس زمینه استقلال پارلمانی پیوست­ می­کند دولت که اهمیت

sovereignty means that Parlia­ment is competent to make any law on ariy matter of its choosing and no court may

ممکن دادگاه انتخاب هرمسأله­ای هرقانونی ایجادکردن کارامد پارلمان یعنی استقلال

question the validity of any Act that it passes. 7-In enacting legislation, Parliament is making decisions about

درمورد تصمیم­گیری پارلمان تصویب قانون از سرگذراندن هرقانونی اعتبار سوال پرسیدن

important matters of public policy. 8-The authority to make those decisions derives from a democratic mandate.

فرمان دموکراتیک ناشی شدن تصمیمات این اخذ دولت سیاست عمومی مسائل مهم

9-Members of Parliament in the House of Commons possess such a mandate because they are elected,

انتخاب شده­اند زیرا فرمان چینی دارد مجلس عوام اعضای پارلمان

accountable and representative. 10-To make provision in the Bill for the courts to set aside Acts of Parliament

قوانین پارلمان کنارگذاشتن دادگاه­ها لایحه تبصره ایجاد معرف مسئول

would confer on the judiciary a general power over the decisions of Parliament which under our present

کنونی طبق تصمیمات پارلمان یک قدرت عمومی قوه­ی قضاییه اهداکردن

constitutional arrangements they do not possess, and would be likely on occasions to draw the judiciary into

قوه­ی قضاییه فرصت­ها احتمالی ندارد توافقات قانون اساسی

serious conflict with Parliament. 11-There is no evidence to suggest that they desire this power, nor that the

این قدرت خواستارهستند پیشنهاد دادن هیچ شواهدی وجود ندارد پارلمان درگیری­های جدی

public wish them to have it. 12-Certainly, this Government has no mandate for any such change.”

چنین تغییری فرمان هیچ دولت این قطعا داشتن تمایل داشتن همگان

13-This echoes the fears expressed by some that the Human Rights Act will politicise the judiciary in response to

در پاسخ به قوه­ی قضاییه سیاسی کردن قانون حقوق بشر برخی اظهارداشتن ترس­ها طنین انداختن

the many Convention-based arguments they are expected to receive when the Act comes into force. 14-*Liberty* has

لیبرتی به اجرا درآمدن قانون زمانی دریافت انتظار میرود دولت­های کنوانسیون محور بسیار

identified 70 areas of law, ranging from police powers to access to health care, where they believe urgent action is

اقدام فوری معتقدند جاییکه مراقبت­های سلامتی دسترسی قدرت­های پلیس حوزه­های قانون موجه

required to avoid violations of the new law. 15- However, it is at least questionable whether the judges will be as

خواهد بود قضات که آیا سوال برانگیز حداقل بااین وجود نقض حقوق جدید جلوگیری نیازمند

open to Convention-based arguments as some anticipate. 16-Wall J., in *Rt F (minors—aire procmlings~ntoct)* (2000),

؟ ؟ پیش­بینی کردن استدلال­های کنوانسیون محور

stated that he would be disappointed if the Convention were to be routinely paraded as a makeweight ground of

دلایل اضافی برای فرجام خواهی نمایش دادن معمولاَ کنوانسیون ناامیدمی­شود گفت

appeal. 17-In *A National Health Sm,ia Trust v. D* (2000), Cazalet J. held that a medical decision to provide only

صرفا ارائه شدن یک تصمیم پزشکی ؟ یک سلامت ملی

palliative care, thus allowing a patient to “die with dignity” was not a violation of either Articles 2 or 3. 18-Thus, it

نقض هریک از ماده­ها نبود باعزت بمیرد بیمار اجازه دادن مراقبت­ها تسکین دهنده

seems that common law common-sense may well prevail over any risk of a politicised judiciary.

قوه­ی قضایی سیاسی شده هر خطری چیره شدن عقل سلیم قانون معمول بنظر میرسد

**دادگاه­های بریتانیا**

1- با توجه به بند 3 (1) دادگاه­ها باید، تا آنجا که امکان دارد قوانین را به گونه­ای تفسیر کنند که با کنوانسیون سازگار باشند، با این حال همانطور که در فوق ذکر شد، قانون صریحاَ حاکمیت کامل پارلمان را حفظ می­کند.2- بنابراین زمانی که دادگاه ممکن است تصمیمات و یا اقداماتی راکه با حقوق کنوانسیون سازگار نیست باطل کند و یا بخاطر ناسازگاری قوانین را فسخ کند، نمی­تواند قانون مجلس را نقض کنند. (بخش 3 (ب))3- دولت دلایل خود را در این مورد در مقاله ی سفید، حقوق به خانه آورده شده" ذکر کرده است.

4-دولت به این نتیجه رسیده است که دادگاه­ها نباید قدرت کنارگذاشتن قوانین اساسی چه قوانین قدیمی و چه آتی را به خاطر ناسازگاری با کنوانسیون داشته باشند.5- این نتیجه گیری از اهمیتی ناشی می­شود که دولت برای حاکمیت پارلمانی قائل می­شود.6- در این زمینه، حاکمیت پارلمانی، به این معناست که پارلمان صلاحیت ایجاد قانون در هر موضوعی که انتخاب می­کند را داراست و هیچ دادگاهی اجازه ندارد که اعتبار قوانینی را که پارلمان تصویب می­کند را زیر سؤال ببرد.7- در تصویب قانون، پارلمان در مورد مسائل مهم سیاست عمومی تصمیم گیری می­کند. 8-اختیار اخذ چنین تصمیماتی از یک مأموریت دموکراتیک ناشی می­شود. 9-اعضای پارلمان در مجلس عوام چنین مأموریتی دارد زیرا تحت عنوان اشخاصی مسئولیت پذیر و نماینده انتخاب می­شوند.10- برای ایجاد تبصره در لایحه جهت کنارگذاشتن قوانین پارلمان توسط دادگاه­ها، با قوه­ی قضاییه در مورد قدرتی عمومی بر تصمیمات پارلمان رایزنی می­شود که طبق توافقات کنونی قانون اساسی ما آن­ها این قدرت را در اختیار ندارند و این مسأله در مواقعی ممکن است منجر به بروز اختلافات جدی قوه­ی قضاییه با پارلمان شود. 11-شواهدی در دست نیت که نشان دهد آن­ها خواستار این قدرتند و همردم نیز نمی­خواهند که آن­ها دارای چنی قدرتی باشند. 12-بدیهی است که دولت هیچگونه اختیاری برای ایجاد چنین تغییری ندارد.

13-این موضوع منعکس کننده­ی ترس­هایی است که برخی در این مورد اظهارکرده­اند که مصوبه­ی حقوق بشر در پاسخ به بسیاری از بحث­های کنوانسیون محوری که درموقع به­ اجرا درآمدن قانون باید با آن مواجه شوند، قوه­ی قضاییه را سیاسی می­کند.

14-لیبرتی 70 حوزه­ی قانون را شناسایی کرده که از قدرت­های پلیس تا دسترسی به مراقبت­های بهداشتی را دربرمی­گیرند که آن­ها معتقدند در این حوزه­ها اقدامات فوری جهت جلوگیری از نقض قانون جدید نیاز است.15- با این حال حداقل جای این سؤال است که آیا قضات در برابر استدلال­های کنوانسیون محور به همان اندازه که برخی انتظار دارند با فکر باز عمل می­کنند؟

16-وال جی در Rtf(minors—aire procmlings(2000)) او نا امید می شود اگر جلسات به صورت روتین طوری به نمایش در آیند که فراهم آورنده دلایل اضافی برای فرجام خواهی باشند. 17- در سازمان بهداشت ملی sm,ia trust v.D(2000) کازالت جی معتقد بود که یک تصمیم پزشکی که تنها مراقبت*­*­های تسکین­دهنده را ارائه می­دهد واز این رو به بیمار اجازه می­دهد که "با عزت بمیرد" نقض موارد 2 یا 3 نبود. 18-بنابراین، بنظر می­رسد که قانون و فهم رایج ممکن است بر هر ریسکی مربوط به یک قوه­ی قضایی سیاسی شده چیره شود.

**The European** Court of Human **Rights**

1-It will still be possible for a person to petition the European Court of Human Rights, but only where all domestic

تمام داخلی صرفاَ دادگاه اروپایی حقوق بشر داداخواست شخص ممکن است هنوز

remedies, including any action under the Act, have been exhausted. 2-In this respect, we should also note that, by

توجه کردن همچنین باید در این نسبت تمام شده اند طبق قانون هراقدامی شامل راه­حلها

section 2(1)(a), the English courts are required to have regard to the jurisprudence and case-law of the European

دادگاه اروپایی قانون عرفی علم حقوق توجه داشتن به نیازمند دادگاه­های انگلیسی بخش

Court when dealing with any case involving the Convention.

کنوانسیون شامل هرپرونده­ای رسیدگی کردن زمانی

**دادگاه اروپایی حقوق بشر**

1-برای یک فرد این امکان وجود خواهد داشت که درخواست خود را نزد دادگاه اروپایی حقوق بشر ببرد اما تنها زمانی این امر میسر است که شخص از تمام راه­حل­های داخلی شامل تمام اقدامات قانونی قطع امید کرده باشد.2- در این باره ما باید به این نکته هم توجه داشته باشیم که در بخش 2 (1) (الف)، دادگاه­های انگلیسی ملزمند که به علم حقوق و قوانین پرونده­های دادگاه اروپایی هر زمان که با پرونده­های مربوط به کنوانسیون در ارتباط است، توجه کنند.

**A Human Rights Commission?**

1-Some commentators, such as the leading civil rights lawyer Lord Lester, see the decision not to establish a Human

تأسیس کردن تصمیم لورد لستر وکیل سردم دار حقوق مدنی همانند برخی مفسران

Rights Commission to oversee the working of the Act **as a** serious

مانند عملکرد قانون نظارت کردن کمیسیون حقوق بشر

**weakness. 2-**However, in the "Rights Brought Home" White Paper, the Government expressed concerns **regarding**

**نگرانی­های درمورد اظهار شده دولت مقاله­ی سفید حقوق به خانه آورده شده با این وجود ضعف جدی**

an unnecessary overlap between any Human Rights Commission and the work of the Commission for Racial

نژادی کار کمیسیون هرگونه حقوق کمیسیون بین همپوشانی غیرضروری

Equality, the Equal Opportunities Commission and the new Disability Rights Commission. 3-Nevertheless, the White

مقاله­ی سفید با این حال کمسیون جدید حقوق از کارافتادگی کمیسیون فرصت­های برابر برابری

Paper also states that the government has not closed its mind to the idea of a Commission at some future stage in

درآینده ایده­ی یک کمیسیون ذهن نبسته است دولت می­گوید

light of practical experience of the working of the Act.

عملکرد قانون در پرتو تجربه ی عملی

**یک کمیسیون حقوق بشر؟**

1-برخی از مفسران مانند لرد لستر که سردم دار وکلای مدافع حقوق مدنی است تصمیم به ایجاد یک کمیسیون حقوق بشر برای نظارت بر عملکرد قانون را یک ضعف بزرگ نمی­داند. 2-با این وجود در مقاله ی سفید "حقوق به خانه آورده شده" ، دولت نگرانی­های مربوط به همپوشانی غیرضروری بین کمیسیون­های حقوق بشر و عملکرد کمیسیون در راستای برابری نژادی، کمیسیونِ فرصت­های برابر و کمیسیون جدید حقوق ازکار افتادگی را ابراز داشت. 3-با این حال، مقاله­ی سفید همچنین بیان می­دارد که دولت ذهن خود را نسبت به ایده­ی یک کمیسیون در آینده در پرتو تجربیات عملی کارکرد مصوبه نبسته است.

**Remedies** To **the law**

1-As we noted earlier, the Act does not allow the courts to disapply primary legislation incompatible with the

ناسازگار با قانونگذاری اصلی نشان دادن دادگاه­ها اجازه قانون قبلا اشاره کردیم

Convention.2- However, by section 4, the courts may, in such circum­stances. issue a declaration of incompatibility.

اعلامیه­ی ناسازگاری چنین شرایطی دادگاه­ها بخش 4 با این وجود کنوانسیون

3-Following this, the relevant minister may amend the offending legislation by statutory instrument (Schedule 2,

ابزار حقوق مدون قانون گذاری غلط اصلاح وزیر مربوطه به دنبال این

**Paragraph** 1(2)). 4-As this involves the·exceptional power to use secondary legislation to amend primary legislation,

**قانون گذاری اصلی اصلاح کردن قانون گذاری ثانویه قدرت استثنایی شامل پاراگراف 1**

any such statutory instrument is subject to the positive affirmation procedure in Parliament **(Paragraph** 2)- 5--For more

برای جزئیات بیشتر شیوه­ی تأیید قطعی معطوف به ابزارهای حقوق مدون

details on this procedure, see Chapter 2.

این روش

**راه­حل­های قانون**

1-همانطور که قبلاَ اشاره کردیم، این مصوبه به دادگاه­ها اجازه نمی­دهد که قانون گذاری اصلی را که با کنوانسیون ناسازگار است به نمایش بگذارند. 2-اما با توجه به بخش 4، دادگاه­ها ممکن است در چنین شرایطی اعلامیه­ی ناسازگاری را مدنظر بگیرند. 3-به دنبال این، وزیر مربوطه می­تواند قانون گذاری غلط را به وسیله­ی ابزار حقوق مدون اصلاح کند.4-(برنامه­ی 2، پاراگراف1(2)) . همانطور که این شامل قدرت استثنایی استفاده از قوانین ثانویه برای اصلاح قوانین اصلی است، هرکدام از ابزارهای حقوق مدون معطوف به شیوه­ی تأیید قطعی در پارلمان هستند. – 5-برای جزئیات بیشتر در مورد این روش به فصل 2 مراجعه کنید.

**for the victim**

1-By **section 8,** the court may, following a violation of the Convention by a public authority, grant such relief or

چنین راه­حلی ارائه دهد یک مقام دولتی نقض کنوانسیون به دنبال دادگاه بخش 8

remedy, or make such order as it considers just and appropriate. 2-However, the court may only award damages

جریمه­ی نقدی تنها دادگاه بااین وجود مناسب عادلانه درنظرگرفتن چنین کمکی راه­حل

where, taking into account all the circum­stances of the case (including any other relief or remedy granted or order

نظم ارائه دادن راه­حل هرگونه روش شامل تمام شرایط پرونده با درنظر گرفتن

made), it is satisfied that damages are necessary to ensure just satisfaction for the victim.

برای قربانی رضایت واقعی تضمین کند ضروری اند خساراتی که راضی کردن

**برای قربانی**

1-با توجه به بخش 8، دادگاه می­تواند پس از نقض کنوانسیون توسط یک مقام دولتی، چنین راه­حل یا کمکی را ارائه دهد و یا فرمانی را که عادلانه و مناسب می­بیند، صادر کند.2- با این وجود، دادگاه ممکن است تنها جریمه­ی نقدی را با درنظر گرفتن تمام شرایط پرونده پرداخت کند (از جمله هرگونه امداد و یا جبران خسارت و یا هر دستور العمل دیگری)، و این اطمینان را می­دهد که پرداخت خسارات باید به گونه ای باشد که رضایت واقعی قربانی را تضمین کند.

Conclusion

نتیجه گیری

1-The residual approach to freedoms resulted from a traditional view of England, and a peculiarly English view that

یک دیدگاه انگلیسی ویژه یک دیدگاه سنتی نسبت به انگلستان منتج شده از آزادی­ها رویکرد سنتی

liberty is best defined and protected by an informal consensus, emerging from the shared values of an essentially

ضروری ارزش­های مشترک پدیدار شده از یک اتفاق نظر غیر رسمی محافظت شده به بهترین نحو تعریف شده

homogeneous society. 2-However, while this view may have had some validity in the distant past (and even this is

حتی گذشته­های دور مقداری اعتبار داشته است این دیدگاه با این وجود جامعه­ی همگن

questionable), it hardly corresponds to British society today. 3-Societies and their political systems develop and

توسعه می­یابد نظام سیاسی آن­ها جوامع امروزه جامعه­ی بریتانیایی همخوان بودن به سختی غیرقابل اعتماد

evolve, and the law must itself develop to meet these new challenges. 4-Indeed, the European Court of Human Rights

دادگاه اروپایی حقوق بشر البته این چالش­های جدید رودررو شود باید قانون تکامل یابد

regards the Convention as a "living instrument" that must be interpreted in the light of present day conditions.

در پرتو شرایط کنونی تفسیر شدن باید ابزار زنده کنوانسیون می­نگرد

5-Britain today is an increasingly diverse and heterogeneous culture. 6-This has placed increasing strains on the present

کنونی فشارهای رو به افزایش قرارداده است فرهنگ ناهمگون رو به تنوع امروزه بریتانیا

constitutional settlement. 7- The Government has sought to address this in a number of ways: devolution in Scotland,

اسکاتلند تفویض شماری از روش­ها اشاره به جستجو کرده دولت برقراری قانون اساسی

Wales

and Northern Ireland, reform of the House of Lords, and the introduction of the Human Rights Act 1998.

معرفی مصوبه­ی حقوق بشر اصلاح مجلس نمایندگان ایرلند شمالی

8-Hopefully, this will create a modem constitution to replace the informal guarantees of a social consensus that no

یک توافق اجتماعی ضمانت­های غیر رسمی جایگزین کردن یک مدم قانون اساسی ایجاد به­طورامیدوار کننده

longer exists-a new legal consensus that allows social diversity to flourish within a secure framework of judicially-

به لحاظ قضایی یک چارچوب مطمئن در توسعه یابد تنوع اجتماعی اجازه دهد یک توافق قانونی جدید وجود ندارد

protected fundamental rights and freedoms.

آزادی­ها حقوق اساسی حمایت شده

**نتیجه گیری**

1-رویکرد سنتی به آزادی­های انگلستان به ویژه از یک دیدگاه سنتی انگلیسی مبنی براینکه آزادی در انگلستان به بهترین نحو تعریف شده، منتج می­شود و از طریق یک توافق غیر رسمی که از ارزش­های مشترک یک جامعه­ی اساساَ یکپارچه تشکیل شده، محافظت می­کند.2- با این حال درحالی که این دیدگاه ممکن است در گذشته­های دور تا حدودی معتبر بوده باشد ( و حتی این هم جای تردید است ) به سختی با جامعه­ی بریتانیایی امروزه مطابقت می­کند. 3-جوامع و نظام سیاسی آن­ها توسعه و تکامل می­یابد پس قانون نیز باید پیشرفت کند تا با این چالش­های جدید روبه رو شود. 4-البته دادگاه اروپایی حقوق بشر به کنوانسیون به مثابه­ی "یک ابزار زنده" می­نگرد که باید در پرتو شرایط کنونی تفسیر شود. 5- بریتانیای امروز دارای فرهنگی است که روبه متنوع­تر و نامتجانس­تر شدن دارد. 6-این مسأله موجب افزایش فشارهای موجود در برقراری قانون اساسی کنونی شده است. 7- دولت در تلاش بوده تا به روش­های متعددی به این مسأله توجه کند: انحطاط در اسکاتلند، ولز و ایرلند شمالی، اصلاح مجلس نمایندگان و معرفی قانون حقوق بشر 1998. 8-امید می­رود که این مسأله یک مودم قانون اساسی را برای جایگزینی تعهدات غیر­رسمی یک توافق اجتماعی که دیگر وجود ندارد، ایجاد کند – یک توافق قانونی که به تنوع اجتماعی اجازه­ی پیشرفت در چارچوب مطمئنی از حقوق اساسی و آزادی­های حقوقی محافظت شده دهد.

**Revision Notes**

یادداشت­های بازنگری

You should now write your revision notes for Protection and Enforcement. Here is an example for you and some

برخی یک مثال اینجاست اقدام حمایت یادداشت­های بازنگری اکنون باید

suggested headings:

عناوین پیشنهادی

* can still petition

درخواست هنوز

* only when domestic remedies (inc. under Act) exhausted

تمام شده طبق قانون راه­حل­های داخلی صرفا

* U.K. cts must consider jurisprudence/case law of ECHR (s.2(1)(a))

قانون بدعتی علم حقوق درنظر بگیرید

P&E<D-Duty on P As P&E~Victims P&E~U.K. courts P&E©-ECHR

P&E$-Human Rights Commission? P&E$-Remedies (law) P&E0-Remedies (victim) P&E$-Conclusion

Using your cards, you should now be able to write a short paragraph in response to each of the following questions:

سوالات زیر هرکدام از در پاسخ به یک پاراگراف کوتاه نوشتن قادر باشید باید با استفاده از کارت­های خود

1. Explain the duty on public authorities under the Human Rights Act 1998.

طبق قانون حقوق بشر مقامات دولتی وظیفه توضیح دهید

1. Who may be a victim under the Act?

طبق قانون یک قربانی کسی که

1. Explain the obligations on the U.K. CX>Urts under the Act.

طبق قانون بریتانیا تعهدات توضیح دهید

1. What is the position of the European Court of Human Rights following the Act?

طبق قانون حقوق بشر موضع دادگاه اروپایی

1. Disc:u,s whether there should **be a** Human Rights Commission.

کمیسیون حقوق بشر باید که آیا

1. How can law found incompatible with the Convention be remedied?

حل شدن کنوانسیون ناسازگار ایجاد کردن قانون

1. What remedies are available to the victim of a Convention violation?

قربانی نقض کنوانسیون موجود راه­حل­ها

1. Consider what the overall oonaequences of the Act may be.

ممکن است پیامدهای کلی مصوبه درنظر بگیرید

**یادداشت­های بازنگری**

اکنون باید یادداشت­های تجدید نظر خود را برای محافظت و اجرا ذکر کنید. در اینجا یک مثال و برخی عناوین برای شما ذکر شده است:

* هنوز می­توان درخواست داد
* تنها زمانی که از راه­حل­های داخلی (inc . طبق قانون) قطع امید شده است
* دادگاه­های بریتانیا باید علم حقوق / پرونده­ی قانونی ECHR(s2(1)(a)) را درنظر بگیرد

P&E<D-Duty on P As P&E~Victims P&E~U.K. courts P&E©-ECHR

P&E$-Human Rights Commission? P&E$-Remedies (law) P&E0-Remedies (victim) P&E$-Conclusion

اکنون باید بتوانید تا پاراگراف­ گوتاهی در پاسخ به هر یک از سؤالات زیر بنویسید.

1. وظیفه­ی مقامات دولتی را طبق مصوبه­ی حقوق بشر 1998 توضیح دهید.
2. طبق قانون قربانی ممکن است چه کسی باشد؟
3. توضیح دهید که تعهدات دادگاه­های بریتانیایی طبق قانون کدامند؟
4. موقعیت دادگاه اروپایی حقوق بشر به قرار قانون چیست؟
5. توضیح دهید که آیا به یک کمیسیون حقوق بشر نیاز است؟
6. چگونه می­توان راه­حلی برای قانونی که با کنوانسیون ناسازگار است مطرح کرد؟
7. چه راه­حل هایی برای یک قربانی نقض کنوانسیون وجود دارند؟
8. درنظر بگیرید که شرایط کلی قانون ممکن است چه باشد؟

**Useful Websites**

~ **See those** listed at the end of Chapter 34.

**وب سایت­های مفید**

به انتهای فصل 4 مراجعه کنید که تعدادی از این وب سایت­ها لیست شده اند.

**j37j Law and Morality**

اخلاقیات قانون

**Key Points**

نکات کلیدی

After reading this chapter, you will be able to:

قادرخواهید بود این فصل مطالعه پس از

*fl>* compare and contrast the characteristic features of moral and **legal codes;** *fl>* explain the reasons for

دلایل توضیح دهید کدهای قانونی ویژگی­های اخلاقی مشخصه مقایسه مقابله

the **~lationship** between law and morality;

اخلاقیات قانون بین روابط

*fl>* **examine** the **moral influenc:e** on **English law;**

قانون انگلیسی نفوذ اخلاقی آزمودن

*fl>* **consider** the **approaches** the law may take to issues of **moral controversy.**

مسائل بحث­های اخلاقی مدنظر داشتن قانون رویکردهایی توجه کنید

**J37j قانون و اخلاق**

**نکات کلیدی**

پس از مطالعه­ی این فصل قادر خواهید بود تا:

* ویژگی­های کدهای اخلاقی و قانونی را باهم مقایسه کنید؛
* دلایل ارتباط بین قانون و اخلاق را توضیح دهید؛
* نفوذ اخلاقی را در قانون انگلیسی بررسی کنید؛
* به رویکردهایی که قانون ممکن است برای بحث­های اخلاقی مدنظر داشته باشد توجه کنید؛

**Introduction**

پیشگفتار

Both law and morality are concerned with the regulation of social conduct. Therefore, they share many similar,

مشابه بسیاری تقسیم می­کنند بنابراین قانون­گذاری رفتار اجتماعی نگرانند اخلاق قانون

though not synonymous, features:

ویژگی­ها مترادف

**Moral Codes**

کدهای اخلاقی

General statements of principle.

اظهارات کلی در مورد قاعده

Voluntary subscription.

توافق داوطلبانه

Informal enforcement (e.g. through peer

هم­تراز از طریق تصویب غیرقانونی

group pressure).

فشار گروهی

Concerned with how people ought to

باید مردم چگونه نگران

Behave

رفتارکنند

**Legal Codes**

**کدهای قانونی**

precise rules or norms of behaviour.

استانداردهای رفتار قوانین دقیق

Compulsory subsaiption.

توافق اجباری

Formal enforcement *(t.g.* through the police

پلیس از طریق تصویب قانونی

and the courts).

دادگاه­ها

Concerned with how people shall behave.

رفتار خواهند کرد چگونه نگرانند

1-It is this contrast between "ought'' and "shall", highlighting concerns over whether the law should be used to

مورد استفاده قانون که آیا نگرانی برجسته­کردن باید باید بین تضاد

enforce particular moral values, that has proved the most problematic aspect of the relationship between them.

آن­ها بین ارتباط مشکل­سازترین جنبه ثابت کرده­است ارزش­های اخلاقی خاص تصویب

2-This relationship exists for both historical and functional reasons:

دلایل کاربردی تاریخی وجوددارد این رابطه

3-Historically, legal codes tend to emerge from moral codes. 4-In primitive societies, there is often little or no difference

تفاوت هیچ ریز اغلب وجوددارد جوامع ابتدایی کدهای اخلاقی ناشی می­شود کدهای قانونی به­لحاظ تاریخی

between the two. 5-However, as a society grows larger and more

بیشتر بزرگتر رشد جامعه بااین وجود دو بین

sophisticated, this close relationship begins to fracture. 6-As the society becomes more diverse (socially, culturally,

فرهنگی اجتماعی متنوع­تر می­شود جامعه فروپاشی آغاز به این رابطه­ی نزدیک پیچیده

economically and morally), the need for a distinct and universally applicable set of rules (a legal system) emerges.

پدیدار می­شود نظام قانونی مجموعه قوانین عملی جهانی متمایز نیاز به اخلاقی اقتصادی

7- Thus, while links between the legal and moral codes remain, these tend to become increasingly insecure and

نا ایمن به طور روز افزون گرایش دارد باقی­ می­ماند کدهای اخلاقی قانونی بین ارتباط می­یابد بنابراین

sometimes controversial.

بحث­برانگیز برخی اوقات

**8-functionally,** both law and morality are used to perform similar social tasks-to preserve order and maintain

**حفظ کردن نظم حفظ کردن وظایف عمومی مشابه انجام دادن اخلاق قانون به­لحاظ کارکردی**

acceptable standards of ehavior through the promotion and enforce­ment of rules and principles.

اصول تصویب قوانین ارتقاء از طریق استاندارداهای قابل قبول رفتاری

9-Thus, it is not surprising that the relationship between law and morality is a complex one, and that moral

نفوذ رفتاری پیچیده اخلاق قانون بین ارتباط حیرت­انگیز بنابراین

influences pervade much of the law. 10-However, this is not to suggest that all that may be regarded as immoral is

غیراخلاقی موردتوجه قرار گیرد پیشنهاد دادن بااین­وجود قانون شایع بودن

necessarily illegal *(e.g.* adultery) or vice versa **(e.g.** parking offences).

تخلفات پارک خودرو برعکس رابطه­ی نامشروع غیرقانونی لزوماَ

**پیشگفتار**

1-قانون و اخلاق هر دو مربوط به قانون گذاری رفتار اجتماعی است. 2-بنابراین، آن­ها در ویژگی­های مشابه زیادی اگرچه نه مترادف شریک­اند.3- این تضاد بین دوکلمه­ی "باید" (ought) و "خواهد" (shall) نگرانی­های مربوط به اینکه آیا قانون برای تقویت ارزش­های اخلاقی خاص که مهمترین جنبه­ی دشوار روابط بین آن­ها را مطرح کرده باید مورد استفاده قرار گیرد. این رابطه برای دلایل تاریخی و کاربردی وجود دارد:

4-از لحاظ تاریخی مبانی قانونی متمایل­اند تا از مبانی اخلاقی نشأت بگیرند. 5-در جوامع ابتدایی تقریباَ هیچ تفاوتی بین این دو وجود ندارد. با این وجود هر اندازه یک جامعه بزرگ­تر و پیچیده­تر می­شود، این ارتباط تنگاتنک از هم پاشیده می­شود.

6-هرچقدر تنوع یک جامعه (از لحاظ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی ) بیشتر شود، نیاز به یک مجموعه قوانین متمایز و کاربردی در سطح جهانی (یک نظام قانونی) پدیدار می­شود. 7-بنابراین، درحالی که ارتباط بین کدهای اخلاقی و قانونی باقی می­ماند، گرایش به نا ایمن و بحث برانگیز بودن روز به روز افزایش می­یابد.

8-از لحاظ کارکردی هم قانون و هم اخلاق برای انجام وظایف اجتماعی مشابه مورد استفاده قرار می­گیرند. 9-برای حفظ نظم و استانداردهای قابل قبول رفتاری از طریق ارتقاء و انجام قوانین و اصول ، بنابراین تعجب آور نیست که روابط بین قانون و اخلاق یک روابط پیچیده است و اینکه مسائل اخلاقی بخش عمده­ای از قانون را دربرگرفته است. 10-با این وجود، این موضوع بدان معنا نسیت که هرآنچه که ممکن است به عنوان چیزی غیراخلاقی مورد توجه قرارگیرد لزوماَ غیرقانونی باشد (برای مثال رابطه­ی جنسی نامشروع) و یا برعکس آن (مثلا تخلفات مربوط به پارک خودرو).

**The Moral Influence in English law**

**قانون انگلیسی نفوذ اخلاقی**

1-Moral notions form the background or context of many aspects of English law, with its concerns for the protection

حفاظت نگرانی­ها قانون انگلیسی پیش­زمینه­ی بسیار جنبه­ها پیش زمینه تشکیل مفاهیم اخلاقی

of the person, property, the family, etc. 2-This reflects the influence of an essentially judaio-christian moral tradition.

سنت اخلاقی مسیحی­یهودی لزوماَ نفوذ منعکس می­کند خانواده دارایی شخص

3-However, as noted above, the legal rules will tend to be more specific and precise than their moral counterparts,

همتاهای اخلاقی دقیق تر خاص تر گرایش دارند احکام قانونی دربالا ذکرشد بااین­وجود

*e.g.* while there may be a general moral precept against telling lies, this will only be illegal in certain specific

خاص ویژه غیرقانونی صرفاَ دروغ گفتن علیه یک حکم اخلاقی عمومی باشد ممکن است

circumstances (e.g. perjury and fraud). 4-In the vast majority of instances, this moral context or background is

پس زمینه پیش­زمینه ی اخلاقی در اکثر موارد فریبکاری دروغگویی شرایط

uncontroversial. 5- Indeed, we may see it as beneficial, as it tends to enhance the legitimacy of the law and encourage

تشویق کردن مشروعیت قانون افزایش دادن گرایش دارد سودمند البته غیرقابل بحث

observance of legal rules.

رعایت احکام قانونی

6-However, problems may arise where moral issues become foregrounded, rather than merely providing a

ارائه­ی صرفاَ بیشتر از برجسته شدن مسائل اخلاقی ناشی شدن مشکلات بااین­وجود

background context, ***ie.*** where the law is used specifically to enforce particular moral positions. 7-In the legislative

حوزه­ی قانونی مواضع اخلاقی خاص تصویب کردن به­طور خاص قانون پس زمینه

sphere, we can see this in the **Abortion Act** 1967, the **Obscene Publications Act 1956** (with its problematic test

آزمون مشکل ساز قانون انتشارات شنیع قانون سقط جنین نگاه کنید

of a tendency to deprave and corrupt), and more recently in the debate regarding the repeal of **Section 28** of the

فسخ بخش 28 باتوجه به در بحثی که اخیراَ فساد بی­آبرو کردن گرایش

Local Government Act 1988 (banning the “promotion” of homosexuality). 8-Similarly, in the judicial sphere, this is

در حوزه­ی قضایی به طور مشابه افزایش هم­جنس گرایی ممنوعیت قانون دولت محلی

evident in the common law offences of conspiracy to corrupt public morals *(Shaw v. DPP* (1962); *Knulkr*

*اخلاقیات عمومی فاسد کردن توطئه جرایم قانونی رایج واضح*

*(Publishing, Printing and Promotions) Ltd v. DPP* (1973)) and conspiracy to outrage public decency (R. *v.*

*اصول و آداب عمومی بی­حرمتی توطئه ترفیعات چاپ نشر*

*Gibson* (1991)).9- Moral values can also be seen to have exercised a clear, though indirect, influence in a range of

*سطحی از نفوذ در غیرمستقیم گرچه واضح تمرین کردن همچنین*  ارزش­های اخلاقی

other cases, ***e.g.*** those relating to sexual conduct *(R. v. Brown* (1993)). 10-The legal foregrounding of particular moral

مواضع خاص اخلاقی پیش­نما سازی قانونی رفتار جنسی مربوط به سایر موارد

positions becomes problematic where the social consensus on that issue has broken down or fragmented-and, as

چندپارچه شده خراب شده مسئله توافق اجتماعی مشکل­ساز می­شود مواضع

indicated above, the more diverse a society becomes, the **greater the** potential for fragmentation.

چندپارچگی پتانسیل بیشتر می­شود جامعه متنوع تر بالا اشاره کرد

11-In these circumstances, the- law cannot simply withdraw unless and until consensus is restored-there can be no

برگرداندن توافق تازمانیکه مگراینکه پس گرفتن به سادگی قانون شرایط

“no-go” areas. 12-The law must, therefore, identify an acceptable approach to issues of moral controversy.

بحث اخلاقی مسائل رویکرد قابل قبول تشخیص دادن بنابراین باید قانون حوزه­های

**نفوذ مسائل اخلاقی در قانون انگلیسی**

1-مفاهیم اخلاقی با نگرانی هایی که در رابطه با حفاظت از شخص، خانواده وغیره دارد پس زمینه­ و بافت بسیاری از جنبه­های قانون انگلیسی را شکل می­دهند.2- این نشانگر تأثیر یک سنت اساساَ مسیحی-یهودی است. 3-با این وجود، همانطور که در بالا ذکر شد، احکام قانونی در آینده دقیق­تر و بخصوص­تر از همتاهای اخلاقیشان خواهند بود، مثلاَ زمانی که ممکن است یک قاعده­ی کلی اخلاقی برضد دروغ گویی وجود داشته باشد، این موضوع تنها در شرایط خاص و ویژه غیرقانونی به حساب می­آید (مثلاَ گواهی دروغ و فریبکاری). 4-در اکثر موارد، این پس زمینه­ی اخلاقی، غیرقابل بحث است. 5-درواقع، بنابر تمایلی که برای افزایش مشروعیت قانون دارد و رعایت احکام قانونی را بالا می­برد امکان دارد ما آن را سودمند بیابیم.6- با این حال ممکن است مشکلات بیشتر وقتی بروز پیدا کنند که مسائل اخلاقی از پیش تعریف شده تا موقعی که صرفاَ یک پس زمینه را به دست دهد یعنی قانون به طور ویژه برای تقویت مواضع اخلاقی خاص مورد استفاده قرار می­گیرد:

7-در حوزه­ی قانون گذاری، ما می­توانیم این مسأله را در مصوبه­ی مربوط به سقط جنین 1967، قانون انتشارات شنیع 1956 (با آزمون دشوار تمایل به تباهی و فساد) و اخیراَ هم در بحث­های مربوط به بهطل کردن بخش 28 قانون دولت محلی 1998 (ممنوعیت ترویج همجنس­گرایی) مشاهده می­کنیم.

8-به طور مشابه درحوزه­ی قضایی این در قانون جرایم عرفی از توطئه برای فساد اخلاق عمومی (شاو وی. دی پی پی (1962)) نولکر (انتشار، چاپ و ترویج ال تی دی وی. دی پی پی( 1973)) و توطئه­ی هتک آبروی عمومی (آر. وی گیبسون(1991)) مشهود است. 9-ارزش­های اخلاقی را می­توان همچنین از این منظر مشاهده کرد که تأثیری واضح هرچند غیر مستقیم در انواع دیگر پرونده برجای گذاشته­اند، آن­هایی که مربوط به رفتار جنسی می­شوند (آر. وی براون (1993)).10- پیش زمینه­ی قانونی مواضع خاص اخلاقی در جایی که توافق اجتماعی در مورد آن مسأله از بین رفته و یا چند شاخه شود دشوار می­شود و همانطور که در بالا ذکر شد یک جامعه هر چقدر متنوع­تر باشد، پتانسیل بیشتری برای چند پاره شدن دارد.

11-در این شرایط نمی­توان به سادگی از قانون صرف­نظر کرد تازمانی که توافق همگانی به صورت اولیه­ی خود بازگردد، امکان لغو شدن وجو ندارد.12- بنابراین، قانون باید یک رویکرد قابل قبول نسبت به بحث­های اخلاقی را شناسایی و تعیین کند.

**Ubertarian approach**

رویکرد ؟

1-Some writers, such as Schur and Hart, have argued that the law should not interfere in private ehavior except in

بجز رفتار خصوصی دخالت نکردن نباید قانون مشاجره کرده­اند همانند برخی نویسندگان

order to prevent harm to others. 2-However, it is sometimes difficult to identify the boundaries between private and

خصوصی بین مرزها تعیین کردن مشکل برخی اوقات بااین وجود آسیب دیگران جلوگیری

public conduct and the limits of harm, *e.g.* drug use may be a “private” activity but can have “public” and “harmful"

مضر عمومی فعالیت خصوصی استفاده از مواد مخدر محدودیت­های آسیب مدیریت عمومی

consequences, such as additional burdens on the public health system and criminal activity to feed the habit.

عادت توسعه فعالیت جنایی سیستم سلامت عمومی مسئولیت­های اضافی همانند پیامدها

3-Furthermore, it is arguable that consent of the participants does not necessarily make an activity “victimless”, and

بدون قربانی فعالیت نه لزوماَ رضایت شرکای جرم قابل بحث علاوه براین

that there may be circumstances where it is justifiable to use the law to override individual consent

رضایت فردی طی کردن قانون استفاده از قابل توجیه شرایط ممکن است باشد

Uberal approach. 4-This is typified by the Wolfenden Committee on Homosexual Offences **and Prostitution,** which

فحشا جرایم همجنس گرایی کمیته­ی وولفندن مشخص کردن رویکرد ؟

reported in 1957. 5-The view of the Committee was that the law should not interfere in private ehavior except

بجز رفتار خصوصی دخالت کردن نباید قانون کمیته منظر گزارش شده

where necessary to preserve public order and decency, to protect against the offensive and injurious, and to

مضر آسیب زننده علیه حفاظت­کردن آبرومندی نظم عمومی حفاظت لازم آنجاکه

safeguard individuals (particularly the most vulnerable) against corruption and exploitation. 6-However, difficulties

مشکلات بااین­وجود استثمار فساد علیه آسیب­پذیرترین خصوصاَ افراد پناه

arise with this approach due to the subjective nature of the criteria advanced.

پیشرفته ماهیت فردی معیارها به علت این رویکرد منتج شدن

**دیدگاه Ubertarian**

برخی نویسندگان همانند Schur و Hart چنین استدلال کرده­اند که قانون نباید در رفتار خصوصی دخالت کند جز برای جلوگیری از آسیب به دیگران. با این وجود برخی اوقات تشخیص مرزهای بین رفتار عمومی و خصوصی و محدودیت­های آسیب دشوارتر می­شود مثلاَ استفاده از مواد مخدر ممکن است یک فعالیت خصوصی به حساب آید اما می­تواند عواقب مضر عمومی همچون ایجاد مسئولیت­های اضافی در نظام سلامت عمومی و فعالیت­های جنایی در جهت توسعه­ی این عادت داشته باشند. علاوه بر این جای تردید است که رضایت شرکای جرم لزوماَ یک فعالیت را "بدون قربانی" باقی نمی­گذارد و ممکن است آنجا که استفاده از قانون برای پایمال کردن رضایت شخصی موجه است شرایطی وجود داشته باشد. این مسأله توسط کمیته­ی ولفندن در مورد جرایم همجنس­گرایی و فحشا که در سال 1957 گزارش شد، مشخص شده است. دیدگاه کمیته این بود که قانون نباید در رفتار خصوصی دخالت کند مگر درجایی که ضرورت داشته باشد تا دربرابر مهاجمان و آزارگران از نظم و آداب عمومی محافظت شود و از افراد (خصوصاَ آسیب­پذیرترین آن­ها) در برابر فساد و بهره­کشی محافظت شود. با این حال، مشکلات با این رویکرد به علت ماهیت فردی معیارهای پیشرفته به وجود می­آیند.